

جبهه‌های جدیدی که درنبرد پیش رو خواهیم گشود

ایران «برگ‌برنده» رومی‌کند

۳

چگونه در طوفان خبر فریب نخوریم؟

واکسن ضد جعل

۴

ازقبرارزان تاآرامگاه‌های میلیاری

خانه آخرت متری چند؟

۶



دردسره‌ای خرید چند لیتر بنزین



رضا ظریفی
دبیر تحریریه

دروژهایی‌که کشوردرگیرجنگ ۱۲ روزه و سپس ۴۰ روزه شد یکی ازمشکلات به وجود آمده برای مردم ازدحام درجایگاه‌های سوختگیری به خصوص در شهرهای بزرگ کشوربود. نگرانی مردم ازبابت کمبود سوخت یا تمام شدن بنزین ماشین موجب شد که صف‌های بنزین شلوغ شوند و برخی حتی چند روز درمیان و با وجود اندکی کاهش درمقداربنزین ماشین دوباره درصف بایستند. اما دردوهفته اخیروبا فراگیرشدن طرح جدید دولت برای دریافت «توکن» یک باردیگرصف‌های جایگاه‌های سوخت شلوغ و متراکم شده‌اند. این درحالی است که مردم نیزکلیه‌های جدی نسبت به شکل اجرای این طرح دارند و البته باید به طورجدی به راه حل‌های ارائه شده اذسوی مردم توجه کرد و اگر هم پاسخی برای آنها وجود دارد به صورت کارشناسی و رسمی به آنها جواب داد.

یکی ازمهم‌ترین نکات مطرح شده از سوی مردم مربوط به مقدار ظرفیت سوختگیری در نظر گرفته شده است. درشرایطی که ۴۰ لیتر سوختگیری مقدار میانگین برای بیشترخودروهای داخلی و خارجی است و دربرگیری بالایی دارد اما مقدار در نظر گرفته شده برای سوختگیری با کارت آزاد و دریافت توکن ۲۵ لیتر است. همین مسئله موجب می شود تا باک یک خودرو به صورت کامل پرنشود وزمان مراجعه مجدد یک خودرو به جایگاه بنزین به چند روزکاهش یابد. نتیجه این امر نیزشلوغ‌ترشدن جایگاه‌های سوخت است. مورد دیگر مربوط به کمبود همچنان کارت‌های سوخت در جایگاه‌هاست که موجب می‌شود راننده‌ها برای دریافت کارت سوخت و سپس توکن مربوطه برای دقایق بیشتری درداخل جایگاه و جلوی پمپ بنزین توقف داشته باشند. این درحالی است که همین انتظار درصف‌های شلوغ و معطلی بابت دریافت کارت، موجب بروز تنش‌هایی بین مردم و ماموران جایگاه‌ها یا حتی درگیری بین راننده‌های خودروها شده است.

اما مورد دیگری که مردم به آن اشاره می‌کنند الزام اجرای این طرح در جایگاه‌های سوخت تهران یا برخی شهرهای دیگر، آن هم صدها کیلومتر دورتر از استان‌هایی است که شاهد قاچاق سوخت هستند. شهروندان این سوال را دارند که چرا به عنوان مثال درشهری مانند یزد هنوز طرح توکن اجرا نشده است اما در پایتخت مردم به آن مبتلا شده‌اند؟

اینها مشکلاتی هستند که در شرایط فعلی و درست در روزهایی که رسانه‌های غربی و معاند تلاش دارند آستانه تحمل مردم را بابت اخبار جعلی مربوط به وقوع جنگ سوم و درگیری نظامی بسنجند، مردم را درگیر خود کرده تا معضلی به تمام مشکلات زندگی آنها اضافه شود. در چنین شرایطی بهتر است که در صورت تأکید بر اجرای تمام و کمال طرح، حداقل ظرفیت مجاز سوختگیری از ۲۵ لیتر به ۴۰ لیتر افزایش یابد تا تعداد دفعات مراجعه مردم به جایگاه‌های سوخت در یک هفته کاهش یابد. با این تدبیر ساده می‌توان از ازدحام جایگاه‌های سوخت و شلوغی خیابان‌ها و معابر اطراف پمپ بنزین کاست که همین مسئله در آرامش روانی مردم نیز تأثیر مثبت دارد مگر اینکه پاسخ‌های کارشناسی و متقنی ارائه شود که وجوب ادامه طرح به همین شکل فعلی تثبیت شود. البته بهمانه که یکی از نمایندگان مجلس گفته است «دریافت هزار تومان کارمزد توکن در پمپ بنزین غیرقانونی است و مردم می‌توانند برای بازپس گیری آن شکایت کنند» و این خود ماجرای دیگری است اما چون هزار تومان دیگر مورد توجه نیست، مردم به آن نگاهی ندارند.

سکولاریسم، توجیحی برای محرومیت از رعایت حجاب اسلامی نیست

آغوش باز دانشگاه‌های ایران برای دختران آذربایجانی

۷

فرمان آتشین ایست به ۲ سوپر نفتکش متخلف حامل ۴.۵ میلیون بشکه نفت

تنگه هرمز به فرمان تهران است

۳

گزارش «آگاه» درباره کم و کیف لایحه اصلاحات برنامه هفتم را بخوانید

اولویت‌بندی احکام و اهداف سند توسعه

را دشوار دانسته و تلاش کنند در قالب اصلاح برنامه، مواد و احکامی را که توان یا اراده اجرای آنها را ندارند، حذف یا تعدیل کنند.

قطعا چنین رویکردی، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت اجرای برخی تکالیف برای دستگاه‌های اجرایی آسان‌تر کند، اما در بلندمدت می‌تواند اهداف کلان توسعه کشور را با آسیب جدی مواجه سازد. از همین رو، اصلاح برنامه هفتم باید صرفا بر رفع نیازهای ناشی از بازسازی خسارات جنگ، تقویت ثبات اقتصادی و افزایش رفاه برای ایرانی باشد، بلکه هدف اصلی باید رفع موانع اجرایی، ایجاد اختیارات کارآمدی اجرای برنامه متمرکز باشد، نه بر کاستن از تعهدات توسعه‌ای دولت. در واقع، بازسازی خسارات جنگ ضرورتی انکارناپذیر است، اما این ضرورت نباید بهانه‌ای برای فاصله گرفتن از چشم‌انداز توسعه کشور باشد. برنامه هفتم، سند راهبردی پیشرفت ایران در سال‌های آینده است و هرگونه اصلاح در آن باید ضمن پاسخگویی به اقتضائات شرایط جدید، از اهداف کلان، احکام تحول‌آفرین و مسیر توسعه پایدار کشور صیانت کند. تنها در چنین صورتی می‌توان هم خسارات جنگ را جبران کرد و هم قطار توسعه کشور را بدون انحراف در مسیر پیش‌بینی‌شده به حرکت ادامه داد.

در همین رابطه، غلامرضا تاج‌گردون، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگویی، با تمرکز بر اصلاح صحیح برنامه هفتم توسعه، گفت: اصلاح قانون برنامه هفتم نباید به معنای حذف احکام یا کاهش تکالیف قانونی دستگاه‌های اجرایی باشد، بلکه هدف اصلی باید رفع موانع اجرایی، ایجاد اختیارات لازم، تأمین منابع پایدار و فراهم کردن زمینه تحقق اهداف برنامه، سیاست‌های کلی نظام و اسناد بالادستی باشد. از این رو، دولت باید اصلاحات پیشنهادی خود را با چنین رویکردی تدوین و به مجلس ارائه کند، زیرا هرگونه اصلاح مغایر با سیاست‌های کلی نظام و اهداف برنامه، امکان تحقق و تصویب نخواهد داشت. رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با تأکید بر اینکه اصلاح برنامه نباید به ابزاری برای کنار گذاشتن اهداف آن تبدیل شود، گفت: دولت باید پیش از تدوین پیشنهادها، اصلاحی، به این موضوع توجه کند که چه اقداماتی برای دستیابی به اهداف برنامه و سند چشم‌انداز ضروری است و همان موارد را در لایحه اصلاحی خود به مجلس ارائه کند. اینکه اگر دولت نمی‌تواند موضوعی را اجرا کند، صرفا برای حل مشکل اجرایی خود آن حکم را از برنامه حذف کند، به معنای اصلاح برنامه نیست؛ چرا که اصلاح برنامه باید با هدف فراهم کردن مسیر دستیابی به اهداف آن انجام شود.

با این حال برنامه هفتم پیشرفت به‌آ‌عان بسیاری از نمایندگان یکی از جامع‌ترین و دقیق‌ترین اسناد توسعه‌ای کشور است که پس از بیش از هشت ماه بررسی مستمر، برگزاری جلسات کارشناسی و دریافت دیدگاه‌های دستگاه‌های اجرایی، بخش خصوصی و مراکز پژوهشی، در مجلس به تصویب رسید. به اعتقاد آنان، این برنامه تنها یک سند اقتصادی نیست، بلکه نقشه راهی برای تحول ساختاری اقتصاد کشور به شمار می‌رود که در آن موضوعاتی همچون مردمی‌سازی اقتصاد، تحقق رشد اقتصادی هشت درصدی، تقویت نقش بخش خصوصی، شفاف‌سازی اقتصادی، ایجاد انضباط مالی، اصلاح ساختار بودجه، اصلاح نظام مالیاتی، بانکی و پولی و همچنین اجرای اقدامات راهبردی برای افزایش بهره‌وری، جایگاه ویژه‌ای یافته است.

عمده نمایندگان مجلس تأکید دارند که مهم‌ترین مزیت برنامه هفتم، توجه ویژه به مشارکت مردم در اقتصاد است؛ به گونه‌ای که برخلاف بسیاری از برنامه‌های توسعه گذشته، تأمین منابع مالی تنها بر ظرفیت‌های دولت متکی نیست و زمینه‌های گسترده‌ای برای حضور سرمایه‌های مردمی و بخش خصوصی در اجرای پروژه‌های عمرانی، تولیدی و زیربنایی پیش‌بینی شده است. به اعتقاد کارشناسان نیز دیدگاه‌های ذی‌نفعان مختلف در تدوین احکام، مواد و تبصره‌های برنامه مورد توجه قرار گرفته و همین موضوع، برنامه هفتم را به سندی واقع‌بینانه‌تر و اجرایی‌تر تبدیل کرده است.

توجه قرار دهیم تا ان شاء الله بتوانیم در پنج سال آینده به نتیجه مطلوب برسیم، چراکه هدف از تدوین برنامه و اجرای برنامه دستیابی به نتیجه مطلوب است نه صرفا ارائه گزارش کار شکلی.

اما قاسمی، معاون سازمان برنامه و بودجه درباره دیگر اصلاحات لایحه برنامه هفتم توسعه نیز تأکید کرد: پیشنهاد این است که مدت اجرای برخی احکام برنامه، در صورت تأیید دولت، دو سال تمدید شود و اختیار اولویت‌بندی احکام ضروری برنامه به تفکیک مشخص شده و این اختیار از مجلس درخواست شود. قاسمی تصریح کرد: احکامی که اجرای آنها در شرایط فعلی ضروری است، به تفکیک مشخص شده‌اند. همچنین پیش‌بینی شده است که احکام کمی و اهداف کمی برنامه، متناسب با شرایط کشور و منابع در دسترس، اولویت‌بندی شوند و این اولویت‌ها به‌صورت سالانه تعیین و به مجلس ارائه شوند.

از سوی دیگر حجت‌الاسلام علیرضا سلیمی، عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی درباره ارائه هرچه سریع‌تر لایحه اصلاحات برنامه هفتم توسعه به مجلس، گفت: با توجه به شرایط کشور و تغییرات ایجادشده در بخش‌های مختلف، ضرورت دارد دولت هرچه سریع‌تر لایحه اصلاح قانون برنامه هفتم پیشرفت را به مجلس ارائه کند. وی افزود، دولت باید تا دو ماه آینده، دردی، لایحه بودجه سال آینده را به مجلس ارائه کند و از آنجایی که بودجه سالانه برشی از قانون برنامه است، لذا باید هرچه سریع‌تر اصلاحات لازم درباره قانون برنامه اعمال شود. نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: دولت خود نیز بر ارائه لایحه اصلاح قانون برنامه تأکید داشته، اما تاکنون این لایحه را به مجلس ارائه نکرده است.

حجت‌الاسلام سلیمی خاطرنشان کرد: البته با توجه به شرایط اقتصادی پیش‌آمده برای کشور، قانون بودجه نیز باید اصلاح شود، اما دولت اعتقادی نسبت به اصلاح این قانون ندارد. عضو هیات رئیسه مجلس در پایان تأکید کرد: اگر دولت بنای اصلاح قانون برنامه را دارد، با توجه به زمان محدود باقی‌مانده، باید هرچه سریع‌تر لایحه اصلاحی را ارائه کند تا اصلاحات اعمال‌شده پس از تصویب، در قانون بودجه سال آینده لحاظ شود.

با این حال، سید حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه و معاون رئیس‌جمهور، پس از نشست مشترک با رئیس مجلس و رؤسای کمیسیون‌ها در تاریخ ۲۲ مهر در زمینه ارائه لایحه اصلاحات برنامه هفتم توسعه اظهار کرد: در شرایطی که قرار داریم، باید موضوعات اقتصادی کشور را بین دولت و مجلس با همفکری بررسی کنیم تا با همگرایی مناسب، کارها را جلو ببریم. الان هم در آستانه تدوین لایحه بودجه سال آینده هستیم و هم موضوعات بودجه‌ای نیمه دوم سال را باید گفت و گو کنیم تا با نظم کارها پیش برود. وی افزود: همچنین دولت قصد دارد لایحه اصلاح قانون برنامه هفتم را تقدیم مجلس کند؛ بنابراین لازم بود با هم گفت‌وگو کنیم و دغدغه‌های اساسی موجود مانند معیشت مردم، تولید و اشتغال مورد بحث قرار گیرد و مشخص شود چگونه این موضوعات را در اولویت قرار دهیم.

وی درباره برنامه هفتم توسعه گفت: در این جلسه دو مطلب مطرح شد: نخست اینکه باید گزارش عملکرد برنامه در سال دوم را ارائه می‌کردیم که خدمت رئیس محترم مجلس تقدیم شد و مقرشر مراحل بررسی آن در مجلس مشخص شود. دوم اینکه باید قانون برنامه هفتم را اصلاح کنیم؛ طبیعتا دولت باید لایحه ارائه دهد، اما ویژگی‌های این لایحه باید به گونه‌ای باشد که دولت و مجلس با مفاهیم مشترک آن را تنظیم، تقدیم و تصویب کنند.

اما به اذعان بسیاری از کارشناسان و همچنین نمایندگان مجلس آنچه در فرآیند اصلاح برنامه هفتم باید بیش از هر موضوع دیگری مورد توجه قرار گیرد، حفظ ماهیت توسعه‌ای این سند است. اصلاح برنامه نباید به ابزاری برای حذف یا تضعیف احکام یا تمرکز بر چند حوزه اقتصادی و تولیدی دنیای می‌شود؛ به این معنا که از است برخی دستگاه‌ها با استناد به شرایط پس از جنگ، اجرای برخی تکالیف قانونی

برنامه هفتم توسعه با هدف ایجاد تحول ساختاری در اقتصاد، افزایش بهره‌وری، اصلاح ساختارهای ناکارآمد، رشد پایدار اقتصادی و ارتقای توان تولیدی کشور تدوین شد، برنامه‌ای که پروژه جنگ تحمیلی سوم مانع اجرای دقیق آن شده و اصلاحات آن به تأزگی مد نظر دولت قرار گرفته است.

برنامه هفتم توسعه نقشه راه توسعه کشور در سال‌های آینده محسوب می‌شود و اجرای صحیح آن می‌تواند بسیاری از چالش‌های مرزمن اقتصاد ایران را برطرف کند. علاوه بر آن وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی نیز به عنوان مجریان اصلی برنامه هفتم، مسئولیت سنگینی در تحقق این اهداف بر عهده دارند. هماهنگی میان دستگاه‌ها، پرهیز از تصمیمات جزیره‌ای، اجرای کامل احکام قانونی و حرکت بر اساس سیاست‌های کلان، از مهم‌ترین پیش‌نیازهای موفقیت این برنامه در دوره پس‌جنگ به شمار می‌رود لذا در حوزة اجرای منسجم برنامه، می‌توان انتظار داشت اقتصاد کشور با ثبات بیشتری در مسیر رشد، افزایش سرمایه‌گذاری، ارتقای بهره‌وری و بهبود فضای کسب و کار حرکت کند.

تحلیلگران اقتصادی بر این باورند که اجرای دقیق و کامل احکام برنامه هفتم، ظرفیت ایجاد تحول در بخش‌های مختلف از جمله صنعت، کشاورزی، خدمات، انرژی و زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری را دارد. با این حال، وقوع جنگ و خسارات ناشی از آن، ایجاد می‌کند بخشی از برنامه با رویکرد بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده و افزایش تاب‌آوری اقتصادی مورد بازنگری قرار گیرد؛ موضوعی که آیت‌الله سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در پیام خود به مناسبت سالروز بازگشایی مجلس شورای اسلامی به آن پرداخته و نقشه راه قوه مقننه در سال جدید را ترسیم و بر اصلاح برنامه هفتم پیشرفت با اولویت بازسازی خسارات جنگ و حفظ ثبات اقتصادی تأکید داشتند. پس از این رهنمود، ضرورت بازنگری هدفمند در برنامه هفتم پیش از گذشته برجسته و نشان می‌دهد که کشور در شرایط نه صلح و نه جنگ، نیازمند آرایش جدیدی در حوزة سیاست‌گذاری اقتصادی است.

پیش‌نویس لایحه اصلاح برنامه هفتم توسعه آماده شد

محمد قاسمی، معاون سازمان برنامه و بودجه روز گذشته در گفت‌وگویی درباره کم و کیف اصلاحات برنامه هفتم توسعه اظهار کرد: جمع‌بندی‌های لازم در سازمان برنامه و بودجه انجام شده و پیش‌نویس لایحه اصلاح برنامه آماده است. قرار است این موضوع در جلسات هماهنگی دولت و مجلس مطرح شود و پس از آن طی یک هفته آتی، لایحه وارد فرآیند نهایی شدن شود. وی در پاسخ به سوالی درباره تعداد احکام اصلاحی در برنامه هفتم توسعه تأکید کرد: قرار نیست به سمت اصلاح کل قانون برنامه هفتم توسعه برویم، چراکه کشور همچنان در شرایط اضطراب قرار دارد.

کدام احکام برنامه هفتم اصلاح می‌شوند؟

اما این اظهارات معاون سازمان برنامه و بودجه درحالی مطرح می‌شود که پیش از آن، محسن زنگنه، رئیس کمیته نظارت بر اجرای برنامه هفتم توسعه مجلس زوایای دیگری از این اصلاحات را مطرح کرده بود. وی گفت: درباره برنامه هفتم توسعه فعلا با دولت به یک تفاهم رسیده‌ایم که طول اجرای برنامه را دو سال افزایش دهیم؛ به این معنا که برنامه از سال ۱۴۰۵ به مدت پنج سال و تا سال ۱۴۱۰ ادامه داشته باشد تا دو سال ابتدایی که مسائلی در مسیر اجرای برنامه پیش آمد، بتواند جبران شود. این نماینده مجلس تأکید کرد، در حال تفاهم با دولت هستیم و منتظریم دولت لایحه اصلاحی برنامه هفتم را به مجلس ارائه کند. زنگنه همچنین تصریح کرد: این اصلاح با تمرکز بر چند حوزه اقتصادی و تولیدی دنیای می‌شود؛ به این معنا که از میان محورهای مختلف برنامه هفتم توسعه، چند مورد را به صورت متمرکز مورد



سرلشکر عبداللّهی پاسخ تهدیدات مرد دیوانه کاخ سفید را داد خلیج فارس؛ منطقه ممنوعه



سردار سرلشکر علی عبداللّهی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا دیروز در پیامی پاسخ یاهوگویی‌های مرد دیوانه کاخ سفید را داد و نوشت: نیروهای مسلح پرافتخار ایران اسلامی با توکل به خداوند متعال توانستند، نیروی دریایی آمریکا را که ترامپ و سران آن کشور، آن را قله اقتدار آمریکا می‌دانند و با آن منطقه و جهان را تهدید می‌کنند ناکارآمد سازند، به گونه‌ای که دیگر قادر به نزدیک شدن به دریاهای پیرامون خلیج فارس و آب‌های سرزمینی ایران نیستند. وی تاکید کرد، رئیس جمهور آمریکا باید در خواب ببیند که نظامیان و ارتش ابدل بار دیگر وارد خلیج فارس شوند. آنها این آرزو را برای همیشه به گور خواهند برد.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا در پیام خود با بیان اینکه ما در هیچ شرایطی و در هیچ زمانی اجازه نخواهیم داد شناورهای نظامی آمریکا وارد خلیج فارس بشوند، آورده است: ترامپ بارها ادعا کرده است که تاسیسات هسته‌ای ایران را نابود کرده‌اند، اما هم‌زمان و مکرراً اظهار می‌دارند که ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد و این تناقض‌گویی آشکار پایانی ندارد. سرلشکر عبداللّهی با طرح پرسشی مبنی براینکه اگر همه چیز را نابود کرده‌اید، پس تکرار این هذیان گویی چه معنایی دارد، تصریح کرد، این سخنان کاملاً بی‌معنا، متناقض و پرتکرار برای افکار عمومی جهان و به ویژه مردم آمریکا مصرف دارد. چنانچه مطمئن هستید که تمامی امکانات و توانمندی‌های نظامی ایران را از بین برده‌اید، پس چرا ناوهای زنگ‌زده و شناورها و نیروهای نظامی بدیل شما جرات نزدیک شدن به تنگه هرمز، مرزهای دریایی و زمینی ایران را ندارند؟

در این پیام آمده است: بی‌تردید با عزم راسخ رهبری شجاع و حکیم، اراده مردم مبعوث شده و مقاوم، نیروهای مسلح جان‌برکف و مسئولان ایران اسلامی بر این قرار گرفته است تا آمریکا و مولود نامشروع آن رژیم صهیونیستی و ارتش‌های زبون و متجاوز شما را در باتلاقی که با دستان خود ساخته‌اید روز به روز بیشتر غرق کنند. وی در پیام خود آورده است: به یاری خداوند متعال و نصرت الهی، راهبرد ایران قوی این است که هرچه این تقابیل طولانی‌تر شود، شما را بیش از گذشته در باتلاق مرگ و زوال فرو ببرند، آن شاء الله.

سه نکته در پیام رئیس ستاد کل نیروهای مسلح

به گزارش آگاه، پیام رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، فراتر از هشدار نظامی، بازتابی افرسایشی جایگاه آمریکا در منطقه است. بر همین مبنای پیام موضع‌گیری عالی‌ترین مقام نظامی «جمهوری اسلامی، را می‌توان در سه نکته خلاصه کرد: نخست اینکه ایران دیگر آمریکا را به عنوان یک ابرقدرت شکست‌ناپذیر نمی‌بیند. آن را نیرویی فرسوده می‌شناسد که تنها با ادعاهای متناقض و تهدیدهای توخالی سعی در پوشاندن ضعف‌های ساختار اش دارد. دوم، این پیام به صراحت اعلام می‌کند که خلیج فارس دیگر فضای مانور برای ناوگان پنجم آمریکا نیست و ایران، قواع بازی را به نفع امنیت ملی خود تغییر داده است تا هرگونه حضور نظامی بیگانه را یک تجاوز تلقی کند.

سوم اینکه پیام منتشر شده از سوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، تحقق عملی مفهوم «ایران قوی» است؛ کشوری که نه تنها در تجهیزات نظامی، بلکه در جنگ روایت‌های می‌تواند را به نفع مقتدر و تحقیرآمیز، توهمت قدرت دشمن را به چالش بکشد و به طرف مقابل گوش زد کند، «دوران ترس از ناوگان آمریکا به پایان رسیده و اکنون نوبت به نمایش زوال اقتدار آنها در حرم آبی ماست،»

پزشکیان، رئیس جمهور:

باید از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» خارج شویم

برخی لحظات در تاریخ ملت‌ها، فراتر از واقعه سیاسی به عنوان نقطه عطف شناخته می‌شوند؛ آقای شهید، برای جامعه ایران، چنین لحظه‌ای بود. این واقعه در کنار شوک عمیقی که به ایرانیان وارد کرد، بذره‌ای اتحاد را کاشت. ولی‌نعمتان انقلاب به عنوان پاسداران نظام وارد خیابان شده و تابه امروز نقش و وظیفه خود را به نحو مطلوب ایفا کرده‌اند.

به گزارش آگاه، آنچه در خیابان‌ها رخ داد، صرفاً تجمعی برای ابراز غم نبود، بلکه دفاع از هویت کلان ملی – اسلامی بود. در این فضای حاکم، حتی صداهای ناهماهنگ و شعارهای حاشیه‌ای کنار زده شدند و مورد توجه قاطبه مردم مبعوث شده قرار نگرفت.

ضرورت انسجام ملی و حضور در میادین

حجت الاسلام حسین طائب در نشست تئیینی کنشگران و سخنرانان تجمعات شبانه مردمی گفته بود: امروز در حوزه داخلی به انسجام ملی و حضور در میادین نیازمندیم. ما امروز یک نبرد داریم که دو میدان دارد؛ میدان جنگ رزمی و نظامی و میدان جنگ ترکیبی و جنگ نرم. امروز شلیک موشک و میدان‌داری در خیابان و سخنرانی، دو حلقه از یک واکنش راهبردی هستند. همان طور که در میدان رزم شبانه‌روز رزمندگان ما دید بانی و خط‌نگهداری می‌کنند، در خیابان نیز عزیزان ما در جنگ نرم میدان‌داری و خط‌نگهداری می‌کنند. حال باید پرسید چگونه می‌توان انسجام ملی را در خیابان‌ها تقویت کرد؟ برای پاسخ به سوال مطرح شده نظر دو فعال سیاسی اصولگرا و اصلاح‌طلب را جویا شدیم.

لزم پذیرش تکثر و تنوع سلایق در خیابان‌ها

مرتضی کامل نواب، دبیرکل جمعیت پیشرفت و عدالت در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه آگاه، با بیان اینکه حفظ تنوع و اختلاف سلیقه مردم که در کشور شاهد آن هستیم، اگر در میدان حفظ شود، تقویت‌کننده آن است، گفت: خاصیت میدان و خیابان این است که نمادی از آحاد مردم ایران محسوب می‌شود زیرا معتقدیم دفاع در برابر دشمن، یک «دفاع ملی» است، وی افزود، دفاع ملی یعنی همه مردم ایران، صرف نظر از رویکردهای مختلف مذهبی، دینی، فرهنگی و اجتماعی، پای یک موضوع ایستاده‌اند و آن، حفظ کشور و ایران در برابر دشمن کودک‌کش مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی است که حتی به دانش‌آموزان مدرسه نیز رحم نمی‌کند. دبیرکل جمعیت پیشرفت و عدالت تاکید کرد، بنابراین، هر اختلاف نظر سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی که داشته باشیم، باید در یک چیز متحد باشیم و آن، حفظ و دفاع از کشور در کنار یکدیگر است. میدان زمانی خاستگاه خود را حفظ می‌کند که این تنوع را دارا باشد. خیابان باید با حضور همه مردم شکل بگیرد و اگر بتوانیم این تکثر و تنوع را حفظ کنیم، آن روز می‌توانیم بگویم آحاد مردم پای کار این جنگ ناچونان‌نمرده‌اند ایستاده‌اند. آگاه مسائل سیاسی با بیان اینکه متأسفانه برخی فعالان سیاسی، میدان، خیابان و مقاومت مردم را به ابزاری برای بهره‌برداری سیاسی خود تبدیل کرده‌اند، اظهار کرد: وقتی از تریبون‌ها و خیابان‌ها به نفع یک جریان خاص سوءاستفاده شود مثلاً علیه مقامات و مسئولانی که رهبر انقلاب در پیام‌های خود مکرراً به سلامت نفس، خدمتگزار و تلاش‌های آنان برای دفاع از منافع ملی در برابر دشمن اشاره کرده‌اند یا در نادیده گرفتن رحنماتی که در ایام جنگ تحصیلی برای تأمین آرامش و کالاهای اساسی مردم کشیده شد، شاهد آن هستیم که عده‌ای در حال محاصره به مطلوب کردن میدان هستند.

کامل‌نواب درباره اینکه در شرایط تهدید خارجی چگونه می‌توان بدون نادیده گرفتن اختلاف سلایق از دو قطبی‌سازی جامعه جلوگیری کرد، گفت: تفکیک موضوعات حوزه سیاست خارجی و آنجایی که ایران به معنای تمامیت ارضی در برابر دشمن قرار می‌گیرد، از موضوعات سیاسی داخلی و انتخاباتی، عامل اصلی حفظ انسجام



«آگاه» به این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه می‌توان انسجام را در خیابان‌ها تقویت کرد؟

تکثر سلایق، همدلی مردم، کارآمدی کارگزاران



از موافق، مخالف، معترض، هوادار، اقوام مختلف و شهروندان مرکز و پیرامون، زیر یک پرچم ملی قرار گرفتند و باید این وحدت را حفظ کرد. حضور با حفظ تنوع و تکثر دیدگاه‌ها اشکالی ندارد؛ همان‌طور که این جریان رسانه‌ها و تریبون‌های متعددی مانند صداوسیما و نمازهای جمعه را در اختیار دارد. میرلوحی گفت: بنابراین، لزومی به توهین، فحاشی، سخنان تند و متشنج کردن فضا نیست و تنها باید نظر خود را مطرح کنند؛ چرا که مخالفان و موافقان مذاکره باید یکدیگر را تحمل کنند و بپذیرند که ایران کشوری تکثرگرا است.

جنگ سخت و نرم و پشتوانه مردمی

به هر حال، آنچه پس از شهادت رهبری در خیابان‌های ایران ما رخ داد، معجزه اجتماعی بود، اما نباید به آن به عنوان اتفاق تمام شده نگریست. این حضور گسترده، درواقع حمایت دوباره مردم از ساختار سیاسی نظام‌شان است. برای آنکه این انسجام تداوم یابد، باید صدای همه مردم- چه آنهایی که شب‌ها در میادین حضور می‌یابند و چه افرادی که مشارکتی نمی‌کنند اما در همین آب و خاک زیست می‌کنند و خود را با افتخار ایرانی می‌نامند – از سوی مسئولان شنیده شود و برای حل مسائل و مشکلات موجود به‌ویژه مسائل اقتصادی چاره‌اندیشی کنند. در همین رابطه اصلاحاتی اعمال شود تا مردم در عمل شاهد باشند چه اتفاقاتی صورت گرفته است و چه اقدامات دیگری می‌خواهد در دستور کار قرار گیرد. نباید فراموش کرد، دشمن آمریکایی و صهیونی با رسانه‌هایی که در اختیار دارد در تلاش است بر ذهن و افکار ایرانی‌ها مسلط شود. بنابراین مسئولان، به خصوص دولتی‌ها، با برنامه‌ریزی صحیح و کارآمد و خواص و سیاسیون با بصرتی که از خود نشان می‌دهند، خیابان و عرصه خدمت‌رسانی به مردم را کابوسی برای دشمن آمریکایی و صهیونی کنند؛ شب‌های خیابان باید بیاتگر همبستگی ملی و حمایت از منافع کشور باقی بماند. هدف غایی این است که فرهنگ همبستگی، در شب‌های میدان هر چه بیشتر تقویت شود؛ فرهنگی که در آن همبستگی ملی و حمایت از منافع عالیه کشور، فراتر از هرگونه اختلاف جزئی، به عنوان خط قرمز جامعه تثبیت شود تا ایران زمین در برابر هرگونه لرزه، مصون و استوار بماند.

و پرهیز از دو قطبی‌سازی است یعنی ما باید حوزه سیاست خارجی و دفاع از منافع کشور در برابر دشمن را از دعوای‌های سیاسی داخلی جدا کنیم. وی یادآور شد: به نظر می‌رسد برخی افراد و جریان‌ها، از پیام‌ها، بیانات و تریبون‌های شبانه در اختیار خود سوءاستفاده می‌کنند تا فضای سیاست خارجی را گروگان دعوای‌های سیاسی داخلی خود بگیرند. تنها راه ایجاد انسجام و پرهیز از دو قطبی‌سازی این است که میان مسائل مربوط به کشور، وطن، ایران و دفاع از جمهوری اسلامی با موضوعات داخلی و انتخاباتی تفکیک قائل شویم؛ آنجا که حرف از دفاع از کشور است، همه باید در کنار هم بایستیم و به فرآیندهایی که تحت اشراف رهبر انقلاب دنبال می‌شود، اعتماد کنیم. دبیرکل جمعیت پیشرفت و عدالت با تاکید براینکه باید از دو قطبی‌سازی‌ها پرهیز کرد، گفت: حفظ فضای انسجام ملی‌که رهبر انقلاب نسبت به آن تذکر داده‌اند ضروری است و هرگونه اقدامی که به انسجام اجتماعی آسیب بزند، مردود است و باید به آن اهتمام داشته باشیم.

سه رکن انسجام ملی

محمود میرلوحی، فعال سیاسی اصلاح طلب هم می‌گوید: میدان نظامی، میدان دیپلماسی و میدان حضور مردمی، سه رکن و بازوی اصلی انسجام و مقاومت کشور در برابر آمریکا و اسرائیل هستند و تلاش این جریان برای مخدوش کردن این وحدت، مایه نگرانی است. وی درباره اینکه چگونه می‌توان خیابان‌ها را به عرصه‌ای برای انسجام ملی تبدیل کرد، گفت: باید به جریانی که مخالف هرگونه مذاکره است و با شعاردهی علیه مسئولان دلسوز، انسجام ملی را تضعیف و انحصارطلبی می‌کند، یادآور شد که این اقدام مانند«نخستین روی شاخه واره کردن آن» است. ایران کشوری ۹۰ میلیونی با اقوام مختلف (کرد، بلوچ، عرب، فارس، گیلک، ترکمن و...) و دیدگاه‌های گوناگون است و میلیون‌ها ایرانی نیز در خارج از کشور حضور دارند. با این حال، متأسفانه در اجتماعات شبانه برخی میادین، علیه مقامات شعرهایی داده می‌شود.

فعال سیاسی اظهار کرد: کشور زمانی ایستادگی و مقاومت کرد که همه مردم اع



عمل کند. درواقع، تخریب یک هدف نظامی به‌تنهایی معادل پیروزی در جنگ نیست. نتیجه راهبردی زمانی حاصل می‌شود که عملیات نظامی بتواند رفتار طرف مقابل را تغییر دهد یا شرایط لازم برای دستیابی به اهداف سیاسی را فراهم کند. اگر حمله هسته‌ای به جای وادار کردن ایران به عقب‌نشینی، موجب افزایش انگیزه برای ادامه جنگ و تقویت اراده مقاومت شود، آمریکا ممکن است با وضعیتی روبه‌رو شود که در آن یک پیروزی عملیاتی با هزینه‌های راهبردی سنگین همراه شده است.

جمع‌بندی

استفاده از سلاح هسته‌ای تاکتیکی علیه ایران را نمی‌توان به‌طور مطلق منتفی دانست، اما میان وجود این گزینه در محاسبات نظامی آمریکا و تصمیم به اجرای آن تفاوت اساسی وجود دارد. آمریکا در صورت استفاده از این سلاح باید هزینه‌های سیاسی ناشی از تضعیف سیاست عدم اشاعه، پیامدهای حقوقی حمله، واکنش متحدان و خطر گسترش جنگ را در نظر بگیرد. این هزینه‌ها می‌توانند به‌اندازه‌ای سنگین باشند که دستوراد احتمالی حمله را زیر سوال ببرند.

مسئله اصلی این نیست که آمریکایی‌ها استفاده از سلاح هسته‌ای را دارد یا خیر، بلکه این است که آیا نتیجه مورد انتظار از چنین حمله‌ای به‌اندازه‌ای مهم است که هزینه عبور از آستانه هسته‌ای را توجیه کند. تا زمانی که ضرورت چنین اقدامی اثبات نشده است، نمی‌توان صرفاً بر اساس دشواری آنها، تاسیسات زیرزمینی، احتمال بالای استفاده از سلاح هسته‌ای را نتیجه گرفت.

هسته‌ای نیست. میان تمایل به کاهش تهدیدهای نظامی ایران و پذیرش پیامدهای یک حمله اتمی تفاوت وجود دارد.

استفاده از سلاح هسته‌ای می‌تواند خطر گسترش جنگ، افزایش تهدید علیه زیرساخت‌های منطقه‌ای و اختلال در فعالیت‌های اقتصادی را افزایش دهد. همچنین ممکن است دولت‌های منطقه را به فشار افکار عمومی و ضرورت بازنگری در میزان اتکای خود به تضمین‌های امنیتی آمریکا مواجه کند. در این شرایط، واشنگتن باید میان دستوراد نظامی کوتاه‌مدت و هزینه‌های احتمالی آن برای روابط بلندمدت خود با متحدان توازن برقرار کند. اگر استفاده از سلاح هسته‌ای به تضعیف همکاری‌های منطقه‌ای آمریکا بشود، ممکن است نتیجه نهایی با هدف اولیه واشنگتن در تعارض قرار گیرد.

۵. پیروزی نمادین یا شکست راهبردی؟

یکی از استدلال‌های مطرح‌شده درباره احتمال حمله هسته‌ای به تاسیسات کوه کلنگ، نیاز آمریکا به کسب یک پیروزی نمادین است. بر اساس این تحلیل، اگر واشنگتن نتواند یک تاسیسات زیرزمینی مهم را با تسلیحات متعارف نابود کند، ممکن است برای اثبات برتری نظامی خود به استفاده از سلاح هسته‌ای روی بیاورد.

این استدلال، انگیزه‌های سیاسی را بیش از اندازه ساده می‌کند. پیروزی نمادین زمانی ارزشمند است که بتوان آن را به یک دستوراد سیاسی تبدیل کرد. اگر هزینه دستیابی به این پیروزی، تخریب اعتبار بین‌المللی آمریکا، افزایش خطر گسترش جنگ و ایجاد تردید در میان متحدان آن باشد، نتیجه عملیات ممکن است برخلاف هدف اولیه

۳. محدودیت‌های حقوق بین‌الملل

یکی دیگر از موانع استفاده از سلاح هسته‌ای، محدودیت‌های حقوقی مربوط به شیوه اجرای عملیات نظامی است. برخلاف برخی برداشت‌های رایج، توصیف یک سلاح به عنوان «تاکتیکی» به معنای آن نیست که استفاده از آن از نظر حقوقی آسان‌تر یا پیامدهای آن محدودتر خواهد بود. حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی، تناسب در حمله و اتخاذ اقدامات احتیاطی، بر نحوه اجرای عملیات نظامی حاکم است. این اصول درباره انتخاب سلاح و شیوه حمله نیز اهمیت دارند.

در نتیجه، حتی اگر یک تاسیسات زیرزمینی هدف نظامی مشروع محسوب شود، این موضوع به تنهایی تمام شیوه‌های ممکن برای حمله به آن را مجاز نمی‌کند. ارزیابی قانونی بودن حمله به شرایط مشخص آن، از جمله آثار قابل پیش‌بینی بر غیرنظامیان و تناسب میان آسیب‌های احتمالی و مزیت نظامی مورد انتظار، و بسته خواهد بود. در خصوص سلاح‌های هسته‌ای، گسترده‌تری احتمالی آثار انفجار، خطر آلودگی پرتوزا و دشواری محدود کردن پیامدهای آن، پرسش‌های حقوقی جدی ایجاد می‌کند. البته نمی‌توان بدون بررسی شرایط یک حمله مشخص، درباره قانونی یا غیرقانونی بودن آن در همه حالات حکم یکسان صادر کرد. با این حال، استفاده از عنوان «تاکتیکی» نمی‌تواند جایگزین بررسی حقوقی مستقل شود. نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۹۶ نیز تاکید بر معنای ایجاد یک مجوز عمومی برای استفاده از این سلاح نیست. موجودیت یک کشور، نتیجه قطعی و عام ارائه‌کند، اما این موضوع به معنای ایجاد یک مجوز عمومی برای استفاده از این سلاح نیست. از این‌رو، آمریکا نمی‌تواند صرفاً با استناد به اهمیت یک هدف نظامی، هزینه‌های حقوقی استفاده از سلاح هسته‌ای را نادیده بگیرد.

۴. واکنش متحدان و هزینه‌های منطقه‌ای

تصمیم آمریکا برای استفاده از سلاح هسته‌ای علیه ایران، تنها برابری واشنگتن و تهران تأثیر نخواهد گذاشت. چنین اقدامی می‌تواند محاسبات امنیتی متحدان آمریکا در منطقه را نیز تحت تأثیر قرار دهد. برخی از این کشورها سیاسی است از تضعیف توانایی موشکی ایران استقبال کنند، اما این به معنای حمایت آنها از استفاده از سلاح

محسوب می‌شود. اگر یک کشور فاقد سلاح هسته‌ای هدف حمله اتمی قرار گیرد، سایر دولت‌ها ممکن است درباره کفایت تضمین‌های امنیتی موجود و ضرورت بازنگری در سیاست‌های دفاعی خود تجدیدنظر کنند.

البته نمی‌توان نتیجه گرفت که یک حمله هسته‌ای به‌طور خودکار به گسترش برنامه‌های تسلیحاتی در سایر کشورها منجر خواهد شد. با این حال، چنین اقدامی می‌تواند انگیزه‌های سیاسی برای بازنگری در محاسبات بازدارندگی را تقویت کند، نتیجه‌ای که با هدف اعلام‌شده آمریکا برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای در تعارض قرار می‌گیرد.

۲. هزینه عبور از آستانه هسته‌ای

از سال ۱۹۴۵ تاکنون، عدم استفاده از سلاح هسته‌ای در جنگ، به یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های سیاسی در نظام بین‌الملل تبدیل شده است. این وضعیت به معنای فقدان برنامه‌ریزی نظامی برای استفاده از این سلاح نیست، بلکه نشان می‌دهد که عبور از آستانه هسته‌ای، پیامدهایی فراتر از نتیجه مستقیم یک عملیات نظامی دارد.

اگر آمریکا برای نابودی یک تاسیسات زیرزمینی در ایران از سلاح هسته‌ای استفاده کند، مسئله اصلی در سطح بین‌المللی صرفاً میزان خسارت واردشده به آن تاسیسات نخواهد بود. پرسش اساسی این است که چرا یک قدرت هسته‌ای، با برخورداری از توانایی گسترده در حوزه تسلیحات متعارف، برای دستیابی به یک هدف نظامی مشخص به استفاده از سلاح هسته‌ای متوسل شده است. واشنگتن ممکن است استدلال کند که اهمیت هدف و دشواری انهدام آن، چنین اقدامی را ضروری کرده است؛ اما پذیرش این استدلال از سوی سایر کشورها تضمین‌شده نیست. به‌ویژه اگر هدف موردنظر یک تاسیسات نظامی باشد و تهدیدی فوری برای موجودیت آمریکا محسوب نشود، توجیه سیاسی استفاده از سلاح هسته‌ای دشوارتر خواهد شد. در این شرایط، آمریکا ممکن است با هزینه‌ای روبه‌رو شود که از محدوده جنگ با ایران فراتر رود. دولت‌های مخالف سیاست‌های واشنگتن می‌توانند از این اقدام برای تضعیف جایگاه بین‌المللی آمریکا استفاده کنند و حتی برخی از شرکای آن نیز ممکن است درباره پیامدهای بلندمدت چنین تصمیمی ابراز نگرانی کنند. بنابراین، استفاده از سلاح هسته‌ای صرفاً یک انتخاب تسلیحاتی نیست؛ این تصمیم می‌تواند بر اعتبار سیاسی آمریکا و نحوه ارزیابی رفتار آن در بحران‌های آینده تأثیر بگذارد.

زینب یوسفوند، کارشناس ارشد مطالعات خاورمیانه: یکی از سناریوهایی که در ماه‌های اخیر در خصوص جنگ ایران و آمریکا مطرح شده است، حمله هسته‌ای تاکتیکی به تاسیسات زیرزمینی ایران، به‌ویژه تاسیسات کوه کلنگ، با هدف نابودی زیرساخت‌های هسته‌ای یا موشکی است. طرح‌کنندگان این سناریو معتقدند که اگر آمریکایی‌ها بتواند با تسلیحات متعارف به نتیجه‌مورد نظر خود برسد، ممکن است برای دستیابی به یک پیروزی نظامی و نمادین، استفاده از سلاح هسته‌ای را در دستور کار قرار دهد. با این حال، این تحلیل یک مسئله مهم را نادیده می‌گیرد. تصمیم به استفاده از سلاح هسته‌ای صرفاً تابع توانایی فنی برای اجرای حمله نیست، بلکه به محاسبات‌های امنیتی و سیاسی، حقوقی و راهبردی وابسته است که می‌تواند هزینه چنین اقدامی را برای واشنگتن به‌شدت افزایش دهد. درواقع، حتی اگر آمریکا از نظر نظامی توانایی استفاده از این سلاح را داشته باشد، همچنان باید به این پرسش پاسخ دهد که آیا دستوراد احتمالی حمله، هزینه‌های عبور از آستانه هسته‌ای را توجیه خواهد کرد یا خیر؟

۱. تناقض در سیاست عدم اشاعه

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های سیاسی آمریکا در استفاده از سلاح هسته‌ای علیه ایران، تناقضی است که چنین اقدامی در سیاست اعلام‌شده واشنگتن درباره جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایجاد خواهد کرد. آمریکا ملی‌ده‌های گذشته، جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای را یکی از اهداف سیاست امنیتی خود معرفی کرده است. در خصوص ایران نیز واشنگتن بارها بر جلوگیری از دستیابی این کشور به سلاح هسته‌ای تاکید کرده است. با این حال، استفاده از سلاح هسته‌ای برای حل یک مسئله نظامی مرتبط با برنامه هسته‌ای یا توانایی موشکی ایران، می‌تواند هزینه سیاسی سنگینی برای آمریکا ایجاد کند.

مسئله این نیست که چنین اقدامی از نظر منطقی ناممکن است؛ دولت‌ها ممکن است در شرایط جنگی میان اهداف نظامی و تعهدات سیاسی خود اولویت‌بندی مجدد انجام دهند. مسئله اصلی این است که استفاده از سلاح هسته‌ای می‌تواند اعتبار ادعاهای آمریکا درباره ضرورت جلوگیری از گسترش این سلاح‌ها را تضعیف کند. از سوی دیگر، چنین اقدامی ممکن است این برداشت را در میان سایر کشورها تقویت کند که به برخورداری از سلاح هسته‌ای، نه تنها یک تهدید امنیتی، بلکه ابزاری برای جلوگیری از حمله قدرت‌های بزرگ نیز

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت؛
ایران برای دفاع، منتظر اجازه هیچ قدرتی نمی‌ماند

جبهه‌های جدیدی که در نبرد پیش رو خواهیم گشود

ایران «برگ‌برنده» رو می‌کند



پاسخ پالس رسیده است، حال آنکه ما در نقطه‌ای کور از محاسبات آنها ایستاده‌ایم که هرگونه واکنش دفاعی شان را بی اثر می‌کند. آن بازیگری که فکر می‌کند بازی با چند مهره پیرامونی او را نجات می‌دهد، به زودی درخواهد یافت که طوفان شگفتانه‌های ایران، کل صحنه شطرنج استیکار یا یکجا جارو خواهد کرد.

رسیدن به بازدارندگی مطلق

اما از عنصر غافلگیری که بگذریم، به چند مصداق ملموس نیز خواهیم رسید. در واقع یک وجه از راهبرد دفاع آفندی ما و گشودن جبهه‌های جدید توسط ما در نبرد پیش رو، واجد خصیصه پنهان و مکتوم بودن است؛ وجوه دیگر قابل حدس و پیش بینی است.

اولین مولفه‌ای که به ذهن می‌آید، تغییر دکترین اتمی و رسیدن ایران اسلامی به بازدارندگی مطلق و تمام عیار است. طی روزها و هفته‌های اخیر، مطالبه بمب اتم در محافل سیاسی، رسانه‌ای و اجتماعی قوت گرفته است. بنابراین دور از ذهن نخواهد بود که وقتی اولین پرتابه دشمن به سمت ایران برسد، هم‌زمان نخستین تست اتمی ما نیز محقق شود. آنگاه ما می‌مانیم و انتقامی ناب از دشمنی که عمر نخستش به ۸۰ رسیده و طبق سنت تاریخی باید از روی زمین محو شود. اشاره مستقیم ما به نفرین دهه هشتم است؛ تاریخ شهادت می‌دهد که هیچ دولت یهودی از سه هزار سال پیش تاکنون، بیش از ۸ سال عمر نکرده است؛ رژیم نامشروع صهیونیستی نیز از این سنت تاریخی، گریزی ندارد. شاید آلت و ابزار تخریب برای تحقق امر محتومش، بمب اتم ایرانی باشد.

نقطه عطف تاریخ معاصر در غرب آسیا یا همان خاورمیانه، گذار ایران از بازدارندگی

جنایتی که صهیونیست‌ها در نوامبر مرتکب می‌شوند

مجوز سرقت زیتون به نام تورات

درصد از کل مساحت کشاورزی را تشکیل می‌دهد. شهروندان فلسطینی در فصل برداشت زیتون حق برداشت زیتون از زمین‌های خود را ندارند؛ منطقه C کرانه باختری که به ۶۰ درصد زمین‌های کشت شده فلسطینیان اختصاص دارد، موانع رژیم صهیونیستی به شدت بر این زمین‌ها اعمال می‌شود.
پایداری یک شهروند فلسطینی در سرزمینش به پایداری درختان زیتون آنجا برمی‌گردد. اشغالگران و شهرک‌نشینان معتقدند که آواره کردن شهروندان از سرزمین‌شان باریشه‌کن کردن درخت زیتون آغاز می‌شود. به همین دلیل، امسال هم همچون سال‌های گذشته نیروهای اشغالگر صهیونیستی مراسم برداشت زیتون در روستای «النزه الشرقیه» واقع در شمال طولکرم در شمال کرانه باختری، «ترمسعیاء» واقع در شمال رام‌الله و روستای «مخماس» در شمال قدس اشغالی را سرکوب کردند.

درختانی که با قطع شدن، از خار طره‌ها نمی‌روند

زیتون در فرهنگ فلسطینی جایگاهی فراتر از ارزش اقتصادی دارد. فصل برداشت، فرصتی برای گرد هم آمدن خانواده‌ها و ادامه دادن سنتی قدیمی است؛ سنتی که با زمین، خانه و زندگی پیوند خورده است. به همین دلیل، آسیب دیدن باغ‌ها فقط به معنای از دست رفتن محصول یک سال نیست؛ گاهی بخشی از میراث یک خانواده به نيز در معرض نابودی قرار می‌گیرد. وقتی کشاورزان رسیدن به زمین خود محروم می‌شود یا درختانی که سال‌ها از آنها مراقبت کرده آسیب می‌بینند، مسئله تنها محصول زیتون نیست. پرسش این است که چه بر سر زندگی‌ای می‌آید که در پیوند با همان زمین شکل گرفته است.

درخت زیتون البته مختص فلسطین نیست و در سرزمین‌های گوناگون مدیترانه رشد می‌کند؛ اما در فلسطین، تاریخ طولانی کشت آن و پیوندش با زندگی مردم، این درخت را به یکی از نمادهای هویت و تعلق تبدیل کرده است. درختی که نامش با خانه، خاطره و ماندن گره خورده است.



جبهه دشمن مدام در حال ارسال پالس حمله است؛ ما نیز در جبهه داخل، خود را برای ساعت صفر جنگ آماده کرده‌ایم. جنگ با دشمن نابکار قطعی است و ایران اسلامی عزتمندانه و مقتدرانه با متجاوزین خواهد جنگید.
در این میان، آنچه اهمیت و تمایز دارد، واکنش ما در مقام دفاع است؛ ایران در جنگ پیش رو، همان‌طور که رهبر انقلاب فرمودند جبهه‌های جدیدی را خواهد گشود و دردناک‌ترین ضربات را بر پیکره متجاوزین آمریکایی و صهیونیستی فرود خواهد آورد.

ایران طالب جنگ نیست اما در دفاع آفندی تردید ندارد. مشخصات و میراث دفاع آفندی ما در نبرد حتمی پیش رو بسیار شگرف و اعجاب‌انگیز است. صاعقه انتقام ایران اسلامی این بار نه فقط در سطح منطقه، بلکه در عمیق‌ترین لایه‌های امنیتی و اقتصادی هم‌رونی رو به زوال آمریکا و سگ زنجیری‌اش یعنی رژیم اسرائیل فرود خواهد آمد و معادلات استراتژیک جهان را دگرگون خواهد ساخت.
اولین مشخصه از دفاع آفندی ما و جبهه جدید ما در نبردی که قرار است تحمیل شود، عنصر ناشناختگی و ابهام است؛ دشمن نمی‌داند و قرار نیست که بداند به کجایش ضربه می‌زنیم، همین گیجی و گنگی برای دشمن دردآور است. در همین حادق می‌گذاریم که ایران اسلامی، غافلگیری و شگفتانه عجیبی را برای دشمن در نبرد پیش رو تارک دیده است. شگفتانه‌ای که شاید به تعبیر انگلیسی‌ها، گیم چنجر باشد و معادلات امنیتی و نظامی جهانی را برای همیشه تغییر دهد.

شگفتانه‌ای که در مخیله نمی‌گنجد

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که آن اقدام غافلگیرکننده و شگفتانه، به هیچ وجه به ذهن دشمن و امپراتوری رسانه‌ای‌اش خطور نکرده است؛ به عبارت دیگر، این گمانه‌زنی‌ها در فضای رسانه‌ای که ایران در صورت آغاز جنگ جدید، کابل‌های اینترنت را قطع می‌کند یا به کاخ فلان حاکم مرتجع عرب حمله می‌کند یا پایگاه آمریکا در قلاب اروپا را زیر ضربه می‌برد، هیچ‌کدام شان، آن شگفتانه ایران نیستند؛ شگفتانه ایران اگر به وقوع بپیوندد، همه این مصداق مذکور، در برابرش شوخی و طنز است! رسانه‌های غربی و اتاق‌های فکر استیکار روز و شب در حال تحلیل سناریوهای ایران برای پاسخ، نظیر بستن شریان‌های انرژی، حملات سایبری به زیرساخت‌ها یا موشکیارن پایگاه‌های پیرامونی و فرامنطقه‌ای هستند؛ غافل از اینکه این تحلیل‌ها، سطح نازلی از محاسبات ماست. شگفتانه حقیقی ایران در لایه‌ای از اسرار پنهان و مکتوم است که حتی پیشرفته‌ترین الگوریتم‌های اطلاعاتی پنتاگون نیز قادر به رمزگشایی از آن نیستند؛ ضربه‌ای از جنس دیگر، در ابعادی که ذهن هیچ تئوری‌پرداز نظامی به آن قد نمی‌دهد. آنچه دشمن در معادلات کاغذی خود به عنوان سناریوی تهدید برای ایران، روی میز گذاشته، مشق شب کودکانی‌ای بیش نیست. ابهام راهبردی ما نه صرفا در ابزار، بلکه در مبدا، ماهیت و زمان ضربه‌ای است که خواب را از چشمان فرماندهان ارشد ارتش تئوریستی آمریکا و صهیونیست‌ها خواهد ربود؛ آنها منتظر یک پاسخ متعارف و تکراری اند، درحالی که ما قاعده بازی را از اساس و به گونه‌ای موجودند تغییر خواهیم داد. تحلیلگران غربی و عربی و صهیونیستی ده‌ها مقاله درباره احتمال ناامن سازی مسیرهای تجاری یا اقدامات بازدارنده سنتی از ناحیه ایران می‌نویسند؛ اما اینها صرفا سرگرم سازی‌های رسانه‌ای است تا ذهن دستگاه‌های اطلاعاتی دشمن از فاجعه اصلی منحرف بماند. شگفتانه راهبردی ایران، نقطه زنی در ساختارهایی است که دشمن اساسا تصور آسیب‌پذیری آنها را هم نمی‌کرد؛ واکنشی که تمام دکترین‌های دفاعی غرب را به تمسخر خواهد گرفت. دشمن در توهمات خود فکر می‌کند با رصد کردن تحرکات متعارف ما، به انتهای



گزارشی از برنامه‌های دوره جدید
دستگاه قضا ارائه شد

دیدار رئیس قوه قضاییه با رهبر انقلاب



حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه با حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این دیدار بر افزایش سرمایه اجتماعی نظام از طریق گسترش عدالت و تأمین حقوق عامه و مبارزه اثرگذار با فساد و گلوگاه‌های آن، رسیدگی سریع و توأم با دقت و قاطعیت و اجرای به موقع و بازدارنده احکام، تحول همه جانبه و ملموس در دستگاه قضایی، استفاده حداکثری از فناوری‌های نوین در مسائل مهم، به ویژه نظارت بر حسن اجرای قوانین و انجام بازرسی‌های مستمر و یاری‌رسان به مدیریت سازمان‌ها و نهاده‌ها، رسیدگی به ترک فعل‌های منتهی به جرم، تلاش و برنامه‌ریزی در جهت مبارزه قاطع با جرم و جنایت و از بین بردن زمینه‌های تخلف با همکاری دستگاه‌های مسئول و جدید و استیفای حقوق و خسارات مادی و معنوی ناشی از جنایات مجرمان آمریکایی– صهیونی تأکید شد.

در ابتدای این دیدار، محسنی‌اژه‌ای گزارشی از برنامه‌های دوره جدید قوه قضاییه، از جمله به روزرسانی سند تحول قضایی و شتاب بخشی به هوشمندسازی امور با هدف صرفه‌جویی در زمان رسیدگی، کاهش هزینه‌ها، اتقان احکام و ارتقای سلامت کارکنان قوه قضاییه ارائه کرد.

تکذیبیه روسیه درباره شایعه تخلیه سفارت و نیروگاه بوشهر در تهران

روسیه شایعه تخلیه سفارت و نیروگاه بوشهر در تهران را تکذیب کرد. در همین راستا، سفارت روسیه در تهران اعلام کرد، کارکنان سفارت مسکو در تهران و متخصصان روسیه در نیروگاه هسته‌ای بوشهر قصد تخلیه ندارند.

سفارت مسکو در بیانیه خود اعلام کرد، ما متوجه انتشار مطالبی از سوی چندین کانال خبری متخاصم در مورد تخلیه ادعای کارکنان سفارت روسیه و نیروگاه هسته‌ای بوشهر شده‌ایم. در این راستا اعلام می‌کنیم که نه کارکنان سفارت و نه متخصصان روسیه در نیروگاه هسته‌ای بوشهر قصد تخلیه ندارند. کار طبق معمول ادامه دارد. هرگونه ادعای خلاف این، اطلاعات نادرستی است که منبع آن کاملاً مشخص است. سفارتخانه مسکو در تهران افزود، به شما توصیه می‌کنیم اشتراک خود در کانال‌های خبری که چنین اطلاعات نادرستی را منتشر می‌کنند، لغو کنید!

شایان ذکر است، الکسی لیخاچف، مدیرعامل شرکت روس اتی هفته گذشته اعلام کرد که شمار کارکنان این شرکت که برای انجام وظایف خود به نیروگاه هسته‌ای برق بوشهر در ایران بازگشته‌اند، به ۱۳۵ نفر افزایش یافته است. لیخاچف در بیانیه‌ای گفت، ما در راستای عمل به تعهدات قراردادی، همچنان در حال افزایش تعداد کارکنان خود در سایت نیروگاه برق هسته‌ای بوشهر هستیم. لیخاچف اظهار کرد که این کارکنان در هر سه تأسیسات نیروگاه برق هسته‌ای بوشهر، یک واحد فعال و دو واحد در حال احداث، مشغول به کار هستند. گفتنی است، روس اتی پس از آنکه آمریکا و رژیم صهیونیستی به خاک ایران تجاوز کردند، صدها نفر از کارکنان خود را به دلایل امنیتی از ایران خارج کرده بود. لیخاچف، مدیرعامل شرکت روس اتی ۱۴۰۴ در گفت‌وگو با شبکه ال‌تولویسیون روسیه خاطرنشان کرده بود که این شرکت ساخت دو واحد نیروگاه هسته‌ای، هر یک با ظرفیت یک هزار مگاوات در مجاورت واحد نخست نیروگاه اتمی بوشهر را در دست‌ور کار دارد و روند ساخت در حال پیشرفت است. شرکت دولتی روس اتی دوم مهر ۱۴۰۴ نیز اعلام کرد: «تهران و مسکو تقاضا نامه‌ای درباره همکاری در ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای کوچک در ایران امضا کردند. این تقاضا نامه پس از دیدار محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و لیخاچف مدیرعامل شرکت روس اتی در مسکو به امضا رسید. چهارم مهر ۱۴۰۴ نیز موافقت‌نامه اجرایی ساخت واحداث چهار واحد نیروگاه اتمی از نوع اسل سوم و پیشرفته به ارزش ۲۵ میلیارد دلار در سربیک هرمزگان بین شرکت ایران هرمزو شرکت پروژه روس اتی امضا شد.

فرمان آتشین ایست به ۲ سوپر نفتکش متخلف حامل ۴.۵ میلیون بشکه نفت تنگه هرمز به فرمان تهران است

در ادبیات تحلیل راهبردی و محافل اندیشکده‌ای غرب، گهگاه گزاره‌ای خطا با هدف کوچک‌سازی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران تکرار می‌شود؛ «کارت تنگه هرمز دیگر کارایی ندارد و سوخته است.» متأسفانه برخی در داخل نیز این گزاره را طوطی‌وار تکرار می‌کنند.

اما واقعیت میدان، در تضاد با این انگاره‌های سطحی است. تنگه هرمز هرگز به یک ابزار فاقد کارکرد یا نمادین تبدیل نمی‌شود؛ بلکه شریان حیاتی انرژی جهان است که مبدعه و کارآمدی آن روزبه‌روز احیا و تقویت می‌شود. برای اثبات زنده بودن این اهرم سترگ، نیازی به استدلال‌های انتزاعی نیست؛ کافی است به داده‌های ملموس و معادلات بازار انرژی رجوع کنیم. در این مقطع حساس، با تشدید تمرکز و عملیات مداوم ایران علیه شناورها و نفتکش‌های متخلف عبوری از کریدور جنوبی و اصطلاحاً عمانی تنگه هرمز، معادله امنیت انرژی دگرگون شده است. فشار عملیاتی فراینده در کریدور جنوبی، امنیت ترده‌های تجاری را به شدت متزلزل ساخته است. طی روزهای اخیر در نتیجه اقدامات قانونی سپاه و ارتش و همچنین حماسه مین‌های کارگذاری شده، حجم عبور انرژی با همان نشئی ترانزیتی کریدور جنوبی در تنگه هرمز با سرعتی بی‌سابقه به زیر یک میلیون بشکه در روز سقوط کرده است. این شوک ساختاری در عرصه، تعادل بین‌النهرین را بر خورده و بهای هر بشکه نفت خام با جهشی خیره‌کننده از ۹۵ دلار به آستانه ۱۲۰ دلار پرتاب شد. در همین راستا، روابط عمومی نیروی جمعه دو سوپر نفتکش متخلف که تلاش کردند از مسیر غیرمجاز و جنوبی تنگه هرمز عبور کنند با برخورد به مین دریایی، موتورخانه آنها پس از انفجار و آتش سوزی شدید از کار افتاد و در جای خود متوقف شدند. این نفتکش‌ها در مجموع بیش از چهار میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه نفت خام حمل می‌کردند که پس از اصابت به مین دریایی در ساحل جنوبی تنگه هرمز رها شده است و دمه کشتی آن را ترک کرده‌اند. مجموع تحولات بی‌مانگر استیلای کامل ایران بر پهنه تنگه هرمز است. معادلات امنیتی خلیج فارس در چنبره اراده راهبردی ایران تبلور یافته است؛ جهانیان باید بدانند که تنگه هرمز نه یک آبراه بین‌المللی خشکی که کانال تنفس و عرصه اقتدار دریایی جمهوری اسلامی است، حاکمیت عملیاتی ایران بر پهنه تنگه هرمز، ژئوپلیتیک انرژی را به تعظیم واداشته و کلید گشایش و بستن شریان حیاتی اقتصاد جهان را تمام قد در دستان تهران قرار داده است.

چگونه در طوفان خبر، فریب نخوریم؟

واکسن ضد جعل

مرضیه کیان، روزنامه‌نگار: تلفن همراه در دست، چشم‌ها خیره به نوار قرمز رنگ اخبار فوری و انگشت‌هایی که پیش از فرصت فکر کردن، دکمه بازنشر را لمس می‌کنند. این خلاصه نبض زندگی انسان امروز در میانه طوفان حوادث است. سال‌ها سواد رسانه را پشت میزهای بی‌روح مدرسه و در قالب اسلاید‌های پراز تعریف‌های دانشگاهی تدریس کردند، گویی قرار است مخاطب صرفاً تفاوت یک خبر را دیوبیی با یک مصاحبه تلویزیونی را بفهمد. اما در جهانی که دود انفجار در تهران و بیروت و غزه با جعل ویدیو در استودیهای الگوریتمی گره می‌خورد، آن آموزش‌های شیک و تزئینی به کارزار نمی‌آیند. وقتی یک جمله ترامپ با عدد‌های ساختگی، طرف چند دقیقه واقعیت عینی را زیر پای افکار عمومی له می‌کند، سواد رسانه دیگر یک ژست آموزشی نیست، بلکه جلیقه نجات در دریای خروشان جنگ شناختی است. اگر امروز ندانیم چگونه با مهندسی خبر روبه‌رو شویم، فردا زیر آوار روایت‌های تحریف‌شده دفن خواهیم شد.

جنگ دیگر با شلیک اولین گلوله توپ یا پرواز نخستین اسکادران جنگنده‌ها در آسمان آغاز نمی‌شود، نبرد درست در همان کسری از ثانیه‌ای کلید می‌خورد که ذهن مخاطب برای دریافت یک دروغ آماده می‌شود. در سال‌های نه چندان دور، نهاد‌های آموزشی گمان می‌کردند سواد رسانه یعنی برگزاری دوره‌های ضمن خدمت، چند ساعت کارگاه فرمالیته و چاپ بروشورهای رنگارنگ با توصیه‌های اخلاقی درباره اینکه خبر دروغ بد است و نباید شایعه پراکنی کرد. واقعیت امروز اما سبیلی محکم‌ی به صورت این تصورات کهنه نواخته است. جامعه‌ای که در محاصره ابزارهای پیچیده عملیات روانی قرار دارد، با جزوه و همایش‌های تشریفاتی مضمون نمی‌شود.

وقتی ترکش‌های یک جنگ ترکیبی از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌رود و مستقیم بروان و تصمیم‌های روزمره شهروندان فرود می‌آید، ناگهان متوجه می‌شویم ابزارهای قدیمی دفاع، از کار افتاده‌اند. امروز یک تصویر ناقص، یک صداگذاری جعلی یا حتی یک برش عمدی از یک سخنرانی ه‌ا ثانیه‌ای می‌تواند بازارهای مالی یک کشور را به تلاطم بیندازد، صف‌های هراس در خیابان‌ها ایجاد کند و اراده مقاومت یک ملت را فرسوده سازد. ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که خط مقدم نبرد از خاکریزهای و مرزهای هرمزگان و جنوب لبنان و غر تا صفحه شیشه‌ای تلفن همراه هر نوجوان امتداد یافته است. در چنین میدانی، هر مصرف‌کننده پیام، به یک نیروی خط‌نگهدار یا پیاده نظام می‌مزد و مواجب جریان فریب تبدیل می‌شود.

بازی ترامپی با اعداد بی‌ریشه

برای درک ابعاد واقعی این فاجعه ادراکی، کافی است به سازوکار چرخش پیام در پلتفرم‌های جهانی نگاه کنیم؛ جایی که دونالد ترامپ و چهره‌های مشابه او یک الگوی ماندگار در ذهن رسانه‌ای جهان به جا گذاشته‌اند. مدلی که بر پایه گبار اخبار بدون سند، تسهیل‌رحن درک سراسر ساعت و شلیک آماری تخلی استوار است. همه پادمان هست که در مقابل‌چ گوناگون بحران، چگونه از تزیین‌های تویتری ناگهان عده‌ایی به فضا پرتاب می‌شود که هیچ مبنای آماری، پزشکی یا قانونی ندارد. مثلاً در قضیه اغتشاشات دی، ابتدا یک رقم چند ده هزار نفری مانند ۴۰ هزار گفته در بوق و کرنا می‌شود. سپس در موج بعدی عددی هیج بررسی مستند، عده به ۷۰ هزار نفر می‌رسد و ماشین رسانه‌ای جریان سلطه نیز بدون کوچک‌ترین بازخواستی از زاروی، همان رقم موهوم را تیتیریک خبرگزاری‌ها می‌کند. مهم‌ترین شگرد این الگوی روانی، گروگان گرفتن سازوکار وایرال شدن است. آنها خوب می‌دانند که ذهن انسان هنگام مواجه با بحران، عاشق اعداد رند، ترسناک و اغراق‌آمیز است. مغز در تله نخستین تکانه شناختی گیر می‌افتد. وقتی رقمی مثل ۴۰ هزار نفر در فضای مجازی رها می‌شود، تمام سازوکارهای اعتبارسنجی سنتی دور زده می‌شوند. روزنامه نگار سنتی هنوز در حال تطبیق منابع است. اما خبر ساختگی صدها هزار بار چرخیده، تحلیل‌های میدانی بر اساس آن نگاشته شده و اضطراب جمعی خود را به جامعه تحمیل کرده است. تراژدی اینجاست که حتی وقتی تکنبیه صادر می‌شود، ذهن عامه مردم هنوز زیر آوار آن عدد نخستین نفس می‌کشد. ضریب دادن به توییت‌هایی که ثبات ادراکی ندارند، بازی کردن در زمین کسی است که با هر هدیان سیاسی، بازار افکار عمومی را می‌سنجد و مرزهای حیا در دروغ‌گویی رسانه‌ای را جابه‌جا می‌کند.

الگوریتم‌های خفه‌کننده و پلتفرم‌های جهت‌دار

باید ی‌بودریاستی با این حقیقت روبه‌رو شد که فضای زیست دیجیتال امروز، یک فضای بازی است. سرتیسی برابر به اطلاعات نیست. پلتفرم‌های بزرگ فرامرز ی طرف نیستند، آنها مهندسی شده‌اند تا صدای خاصی را کرکنند و صداهای دیگر را در بن بست الگوریتم حبس کنند. در حوادث جاری ایران و غزه و بیروت، بارها دیده‌ایم که چگونه روایت‌های عریان از جانیت‌ها و شهادت مظلومان با کلیدواژه‌های مشخص حذف می‌شود. صفحات راوانی با مقاومت مسدود می‌شود و بازنمایی و حشی‌گری اشفاقان تحت پوشش

کودک از همان سال‌های نخست زندگی با قانون و قاعده روبه‌رو می‌شود؛ از قوانینی که در خانه برای ساعت‌های بزرگ فرامرز ی طرف نیستند، آنها در مدرسه، خیابان و جمع دوستان باید رعایت شوند. با گسترش حضور رسانه‌ها در زندگی کودکان، رعایت قانون به فضای مجازی و نحوه استفاده از تلفن همراه و دیگر ابزارهای رسانه‌ای هم رسیده است. کتاب «کرمیلو جان فکر کن»، نوشته بنفشه رسولیان و منتشرشده در نشر مهرستان، نهمین جلد از مجموعه «قصه‌های کرمیلو، است که با روایت ماجراهای یک کرم کوچک، کودکان را با مفهوم قانون و ضرورت رعایت قواعد در زندگی روزمره و فضای رسانه‌ای آشنا می‌کند.

کرمیلو، کرم کوچکی است که همراه خانواده اش در زیر زمین زندگی می‌کند و در مجموعه «قصه‌های کرمیلو، با رسانه ها و موقعیت‌های مختلف مرتبط با آنها آن خواندن به زبان کرمستانی، نوشتن یا خط کرم‌نویسی، حساب کردن به روش کرمیانه، نقاشی و دیکنه را یاد می‌گیرند. اما در کنار همه این درس‌ها، یک موضوع مهم دیگر هم وجود دارد: قانون. معلم قرار است بچه‌ها را با کتاب قانون کرمستان، آشنا کند؛ مجموعه‌ای از قواعد که هر کدام برای بخشی از زندگی کرم‌ها تعین شده‌اند. قوانین گاهی جدی و گاهی طنزآمیزند و همین فضای متفاوت کمک می‌کند مفهوم قانون برای مخاطب کودک، خشک و آموزشی به نظر نرسد.



نقشه راه؛ از لاک دفاعی تا فتح روایت

حقیقت این است که در میدان جنگ روایت‌ها، همیشه برنده کسی است که شلیک اول را انجام می‌دهد. روایت اول، نبض ماجرا را در دست می‌گیرد و زمین بازی را برای بقیه تعیین می‌کند. رسانه‌های ما سال‌ها فقط تماشا کردند تا دروغ‌ها رشد کنند و بعد با صدور چند خط تذکریبیه بی اثر، دنبال مهار بحران دویدند. تذکیب کردن یعنی همیشه یک گام عقب ماندن از حریف و پذیرش شکست در نقطه شروع. امروز برای مهار این بمباران فکری و خنثی کردن بازی اعداد ترامپی، باید در ثانیه‌های نخست هجوم آورد و ابتکار عمل را به دست گرفت. ما برای پیروزی در این میدان به مدل اجرایی روشن و چند وجهی نیاز داریم،

۱. شلیک روایت اول با اتاق خبر چابک

سکوت و وقت‌کشی در ساعات نخست حادثه، بزرگ‌ترین هدیه به دروغ‌پردازان است. دستگاه رسانه‌ای باید به جای وسواس‌های دست‌وپاگیر اداری، روایت اولیه اما معتبر را ظرف چند دقیقه روی میز بگذارد. حتی اگر اطلاعات ناقص است، باید همان مقدار واقعیت روشن را با مردم در میان گذاشت تا بستر خالی برای رشد اعدا و توییت‌های ویرانگر شکل نگیرد. کسی که روایت اول را دست می‌گیرد، زمین بازی را تعریف می‌کند.

۲. ساخت سنگر درستی سنجی برخط

دیگر نمی‌توان به نقد شایعه در بخش‌های خبری شایه‌دل‌ها دل خوش کرد. رسانه‌ها باید خطوط فوری راستی‌آزمایی را به‌پیندازند؛ بخش‌هایی مجهز به متخصصان هوش مصنوعی و داده‌کاوی که وظیفه دارند ویدئوهای جعلی، تصویرهای بازسازی‌شده و آمارهای بی‌ریشه را در همان بستر شبکه‌های اجتماعی و با همان طراحی سریع و جذاب کاربران باز کنند و پشت پرده دروغ‌ها را عریان نشان دهند.

۳. مردمی‌سازی تفکر نقد با قانون پنج ثانیه مکث

آموزش سواد رسانه باید از بر شوهرها خارج و به یک مهارت خیابانی تبدیل شود.

فیلتر محتوای خشن پنهان می‌ماند. اما در همان زمان، باز نشر شایعات بی اساس و ارباب‌های نظامی از میدا اتاق‌های عملیات روانی دشمن، بیشترین ضریب دیده شدن و تعامل را دریافت می‌کنند. این همان سانسور مدرن است؛ سانسوری که با حذف فیزیکی صورت نمی‌گیرد، بلکه با پر کردن فضا از زباله‌های اطلاعاتی و اخبار جعلی عمل می‌کند. در چنین ساختاری، تئور روایت اتفاق می‌افتد. ذهن مخاطب آن قدر با حجم انبوهی از گزاره‌های متعارض و دروغ‌های سازمان‌یافته بمباران می‌شود که در نهایت به مرحله کزختی شناختی می‌رسد. جامعه خسته از تایید و تکذیب، آرام‌آرام دچار شک مطلق می‌شود و دیگر حتی توان پذیرش حقیقت‌های بدیهی را هم از دست می‌دهد. سواد رسانه دقیقاً باید پرده از این معماری پنهان بردارد؛ باید به شهروند پیامزد که چرا فلان پیام پیش روی او قرار گرفته و چه کسی از لایک و فوروارد ناخودآگاه او بیشترین سود را می‌برد.

هوش مصنوعی در خدمت جعل تاریخ

چالش بزرگ ترجمانی آغاز شد که ماشین‌های تولید تصویر و جعل صدا وارد گود

باید به جامعه یاد داد پیش از لمس دکمه باز نشر، پنج ثانیه مکث کند و سه سوال ساده بپرسد؛ چه کسی این عدد را تایید کرده؟ این ویدیو از کجا آمده؟ و چه کسی از ترس و خشم من سود می‌برد؟ وقتی جامعه به این سیرا دراکی مجهز شود، دیگر هیچ آمار ساختگی و هیاهوی توییتتری قادر نخواهد بود روان جماعتی را به اسارت بگیرد.

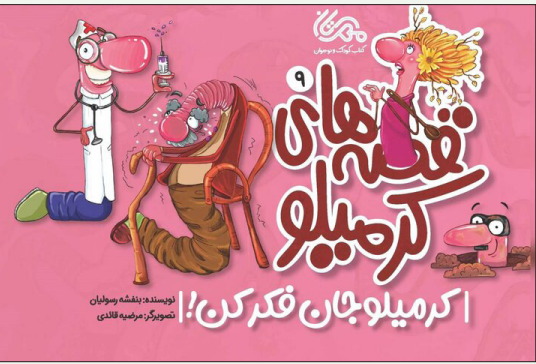
۴. فرمول جست‌وجوی معکوس و ردیابی ردپا

هر فرد می‌تواند در کمتر از یک دقیقه، خودش پلیس خبر باشد. اگر تصویری دیدید که تکان دهنده بود یا مدتی با یک عدد شگفت‌آور به چشمانش خورد، پیش از پذیرش، تصویر را در جست‌وجوی معکوس گوگل (Google Images) یا ابزارهای رایگان سنجش عکس باگذاری کنید. در بیشتر موارد، تصویر متعلق به سال‌ها پیش یا کشوری دیگر است. برای اخبار متنی هم کافی است کلمات کلیدی همان گزاره را در کتا کلمه «منبع» یا «خبرگزاری» جست‌وجو کرد؛ اگر یک ادعای بزرگ تنها در کانال‌های بی نام و نشان یا اکانت‌های توییتتری دیده می‌شود و هیچ رسانه محوم و توییت‌های ویرانگر شکل نگیرد. کسی که روایت اول را نباید شک کرد.

۵. سنجش ترازوی احساس و بازی با واژه‌ها

بهترین شاخص اولیه برای کشف راست و دروغ، د ماسنج هیجان درون متن است. اگر یک مطلب به شدت تلاش می‌کند مخاطب را عصبانی کند، ترساند یا با فرط غرور و خوشحالی به اوج برساند و واژه‌هایی مثل «فوری»، «محرمانه»، «لوح رفت» و «سانسور شده» را پشت سر هم ردیف کرده، قطعاً او را با یک تله طراحی‌شده روبه‌رو کرده است. خبر راست و صادقانه، آرام، خشک و متکی بر فکت است؛ در حالی که فیک نیز سوار بر هورمون‌های ترس و خشم مخاطب حرکت می‌کند. هر متنی که عقل انسان را کنازرد و مستقیم احساساتش را نشانه گرفت، دروغی است که برای تسخیر ناخودآگاه قلاب انداخته است.

شدند. اگر تا چند سال پیش یک متن فیک با تکیه بر لحن اغراق آمیزش رسوا می‌شد، امروز تصاویر کاملاً ساخته شده با هوش مصنوعی و فناوری دیپ فیک مرز میان واقعیت و توهم را محو کرده‌اند. یک چهره ویران، ساختمان‌ی که هیچ‌گاه وجود نداشته یا بیانه‌ای که از زبان فلان فرمانده یا سیاستمدار را صدا و میمیک دقیق بازسازی شده، ظرف چند ثانیه باور هزاران نفر را شکل می‌دهد. این ابزارها دیگر اسباب بازی‌های دنیای گرافیک نیستند؛ تسلیحات جنگ نرم نوین هستند. هوش مصنوعی امکان داده تا کمپین‌های ترور شخصیت و شکست روحیه عمومی در تئرات‌نامحدود و با کمترین هزینه مالی تولید شوند. مخاطبی که مسلح به تفکر نادانانه نباشد، در برابر ویدیویی که با چشم خود می‌بیند خلع سلاح می‌شود. بدین‌ها معیار سنجش حقیقت نیست. اگر یاد نگیریم که پیش از باور هر تصویر شگفت‌آور، به دنبال رد پای منابع مرجع، روایای سایه‌ها، خطاهای پردازش و زنجیره منطقی حوادث بگردیم، همه ما به راحتی بازپچه توهمات دیجیتال خواهیم شد.



عجیب و بازمه آن آشنا می‌شود. همین قوانین می‌توانند زمینه‌ای برای گفت‌وگو درباره قواعد زندگی واقعی باشند.

برای کودک، مفهوم «قانون» زمانی قابل فهم‌تر می‌شود که بتواند نمونه‌ای از آن را در موقعیت‌های روزمره ببیند. داستان کرمیلو نیز از همین مسیر حرکت می‌کند و به جای ارائه مجموعه‌ای از توصیه‌ها، موقعیت‌هایی را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد تا او درباره درست یا نادرست بودن رفتارها فکر کند.

عنوان کتاب نیز بر همین نکته تأکید دارد؛ کرمیلو جان فکر کن!؛ مخاطب را به توقف، توجه و فکر کردن درباره نتیجه رفتارها دعوت می‌کند؛ چه در مدرسه و خیابان و چه هنگام استفاده از رسانه. کودکان در سال‌های ابتدایی زندگی، بخش زیادی از مهارت‌های اجتماعی خود را از طریق تجربه، گفت‌وگو و داستان یاد می‌گیرند. به همین دلیل، کتاب‌های داستانی می‌توانند فرصتی برای مطرح کردن موضوعاتی باشند که توضیح مستقیم آنها برای کودک دشوار است. مجموعه «قصه‌های کرمیلو، نیز با همین رویکرد، مسائل مرتبط با رسانه را در قالب ماجراهای یک خانواده کرمی روایت می‌کند. هدف این مجموعه، آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان، آشنا کردن آنها با رژیم مصرف رسانه و کمک به شناخت شیوه صحیح استفاده از ابزارهای رسانه ای است. کتاب «کرمیلو جان فکر کن»، نهمین جلد از مجموعه «قصه‌های کرمیلو، نوشته بنفشه رسولیان در ۱۳ صفحه از سوی انتشارات مهرستان منتشر شده است.

وقتی درس‌ریال‌ها به جای تالیف، کپی می‌کنیم

همان قصه‌های همیشه



از «ساهر» که مو به مو از یک سریال کره‌ای برداشته شده تا «پوست شیر» که دادگاه آن را سرقت هنری شناخت و از «اعتراف می‌کنم» که تهیه‌کننده‌اش صریحا می‌گوید دکور را از نتفلیکس کپی کرده‌اند سریال ایرانی در دور باطل تکرار و گشته‌پرداری گرفتار شده است.

اگر در سال‌های نه چندان دور، نام کارگردانی مثل علی حاتمی یا داوود میرباقری روی تیتراژ یک سریال، وعده یک جهان تازه بود، امروز چشمان مخاطب قبل از هر چیز به دنبال آن است که بفهمد این بار قرار است کدام سریال خارجی «بازسازی» شود. شبکه نمایش خانگی با شتابی که فقط منطق سودآوری سریع می‌تواند توضیحش دهد، به جای کشف سوزه، به تکرار الگوهای آزموده‌شده روی آورده و تلویزیون هم که زمانی خانه مولفان بود، حالا با بودجه‌های هزاران میلیاردی، به گفته یک تهیه‌کننده، «نتیجه‌ای جز ریزش مخاطب» نداشته است.

علی اکبر تحویلان، تهیه‌کننده سینما و تلویزیون، در گفت و گو با «ایلا» صریح‌ترین جمله را درباره وضعیت فعلی می‌گوید: «واقعیت این است که بسیاری از سریال‌های شبکه نمایش خانگی صرفا کپی‌برداری از نمونه‌های خارجی‌اند». این جمله را می‌توان یک اظهارنظر شخصی تلقی کرد، اگر نمونه‌های مستند و مکتوب یکی پس از دیگری آن را تایید نکنند.

«**ساهر» کپی موبه مو، بدون یک اشاره در تیتراژ**

در ماه رمضان امسال، شبکه سه سریالی به نام «ساهر» را روی آنتن برد؛ داستان دختری به نام عطیه که بعد از پایان شیفت بیمارستان، یک گوشی موبایل پیدا می‌کند و با صاحب آن، احسان، تماس می‌گیرد. اما معلوم می‌شود احسان در یک ماه گذشته زندگی می‌کند، تماس‌ها یک طرفه است، قرارها به هم می‌خورد و تفاوت زمانی یک ماهه، هسته اصلی درام را می‌سازد. این خلاصه، دقیقا همان خلاصه سریال کره‌ای «کایروس» (Kairos) محصول ۲۰۲۰ است. فیلم‌نویز در یک بررسی تطبیقی، جزئیات شباهت را مو به مو فهرست کرده است؛ گم شدن گوشی، تماس یک طرفه، قرار نافرجام در بیمارستان با کافه

جزئیات کنسرت تازه مجید انتظامی اعلام شد

چند قطعه خاطره‌انگیز با اجرای ارکستر ۱۵۰ نفره

انتظامی را تشکیل می‌دهند.

پریسا مهرعلی زاده، حسن اکبریان، آسان نجار، کارین علی محمدی، آریا احتشامی، سانوا عندلویی، احسان شامی، الهه عبد‌اللهی مقدم، امیرمحمد اردلان، سارا نادری، کیانا کاوه حقیقی، نسیم رحیمی، حسام احمدی، موزان میرزایی و آناهیتا عظیمی نوازندگان ویولن، هومن اتابکی، فرکل ساکت، داریوش حجازی، یگانه عبدالله‌زاده، الهام آقابابایی، سبحان عاملن، محمد قاسملو نوازندگان ویولا، ماکان خوی‌نژاد، علی آقاچانی، کورش شاورزک، پروشات زندآیین، پریسا کتانی، پارسا هادی نوازندگان ویولنسل، مهدی کلاترزی، پروانه انارکی، هادی اسماعیلی، بیتا غفاری نوازندگان کنترباس هم گروه نوازندگان سازهای زهی ارکستر را تشکیل می‌دهند.

حسین شریفی نوازنده ترومبون، مهدی زنجیر نوازنده ترومپت، حسن فراهانی، امیررضا صالحی و علی ضرابی نوازندگان فاکوت، امیرحسین محمدیان نوازنده کلارینت، مینلی داتلیان و آنی‌تا یعقوبی، ناصر رحیمی، روشک نوشی نوازندگان فلوت، آراین قیطاسی و مهتاب سلطانی نوازندگان ابوا، فرشاد شیخی، هومان باقی، روزن‌تا صادقی نوازندگان هورن نیز اعضای گروه سازهای بادی این کنسرت هستند.

نیلوفرلطفاً آه‌ر، مه‌آذین مهرآذر، آذین فولادوند، شهرزاد اصلانی، الهه موسوی، مه‌ناز حیدری، سارا آقابابایی، نگین وطنی، زینب هادیان خوانندگان سوپرانو، زینب هادیان، هنگامه حسینی، فرناز ساحری، ندا قاسمی، سمیه کنعانی، طراوان با‌باخانلو، آناهیتا آریانا، یگانه محمدلو، ویدا محمودی خوانندگان آلتو، مرتضی اکبرزاده، حسین عطری، فرزین ماهرچهرتپانی، جواد حنیفه، حامد خادمیان، مهرداد نایبان، خوانندگان تنور، جواد عسگری، حامد لک، بهرام الله وردی، محمد احمدی، علیرضا عابدی، نوید اسکندری، حامد قلیچ‌خانی خوانندگان باس هم اعضای گروه ک‌این‌کنسرت را تشکیل می‌دهند.

این پرونده یک نکته مهم را آشکار می‌کند؛ کپی‌برداری در سریال ایرانی همیشه هم یک «تصمیم هنری» یا «بازسازی خلاقانه» نیست. گاهی پای یک فیلمنامه مشخص در میان است که بدون اجازه صاحبش، به نام دیگران ساخته می‌شود و این دیگر نه اقتباس است، نه ادای دین، سرقت ادبی است.

چرا این اتفاق می‌افتد؟ شتاب، ترس و نبود مولف

پاسخ کوتاه این است؛ تولید سریال در ایران، به ویژه در شبکه نمایش خانگی، به یک مسابقه سرعت تبدیل شده است. پلتفرم‌ها برای جذب مخاطب و حفظ اشتراک، به محتوایی نیاز دارند که سریع مصرف شود و سریع بازدهی داشته باشد. در این شرایط، «فست فود نمایشی» بر مولف بودن و تولید ارجحیت پیدا می‌کند. تحویلان در همین زمینه می‌گوید تلویزیون مجبور است ۲۴ ساعته آنتن پرنکند و «چهار سریال می‌سازند، دو سریال ضعیف می‌شود و همین دو سریال هم کافی است که مخاطب زده شود».

مشکل دیگر، محدودیت پرداخت به سوزه‌های تازه است. وقتی بسیاری از موضوعات اجتماعی، قضایی یا سیاسی پیش از رسیدن به فیلمنامه، در مرحله ایده متوقف می‌شوند، نویسنده ناچار است به سراغ الگوهای برود که از پیش تایید شده‌اند، انتقام، مثلث عشقی، فساد اقتصادی، یا بازسازی یک سریال خارجی که هم جذابیت دارد و هم در درسمحتوایی کمتری. روزنامه هفت صبح در مرور سریال‌های اخیر نمایش خانگی، فهرست بلندی از آثاری را نشان می‌دهد که محور همه‌شان «گرفتن انتقام است؛ «زخم کاری»، «قطب شمال»، «پوست شیر»، «حیثیت گمشده»، «گناه فرشته». این تکرار سوزه، اتفاقی نیست، نتیجه یک محاسبه است. انتقام، هم هیجان دارد، هم قابل توجیه است و هم نیازی به ورود به مسائل ممنوعه ندارد.

در نهایت، مسئله مولف، تحویلان در جای دیگری از همان گفت‌وگو تأکید می‌کند که «مولف بودن شرایط خاصی می‌خواهد» و نمی‌توان با پول، کسی مثل علی حاتمی ساخت. او فاصله طولانی میان آثار مولفان بزرگ را یکی از آسیب‌ها می‌داند و مثال می‌زند: «بین پایان مختارنامه میرباقری تا سلمان حداد ۱۳ سال طول کشیده». این فاصله، هم سرمایه‌انسانی را هدر می‌دهد و هم فضا را برای کپی‌کارها باز می‌کند.

استثناهایی که ثابت می‌کنند هنر، شکستن قاعده است

با این حال، همه چیزتاریک نیست. «هزار و یک شب» مصطفی کایلی، هرچند با نقدهایی در انسجام روایت روبه‌رو شده، نمونه‌ای از اقتباس آزاد از ادبیات کهن است که توانسته شخصیت‌پردازی و فضاسازی قابل توجهی ارائه دهد. «زخم کاری» هم بر اساس رمان «بیست زخم کاری» محمود حسینی‌زاد ساخته شده و ریشه در «مکتب» شکسپیر دارد. اینها نشان می‌دهند که مشکل، ذاتا «اقتباس» نیست؛ مشکل، اقتباس بدون اعتراف، کپی بدون خلاقیت و بازسازی‌ای است که فقط پوسته را برمی‌دارد و قصه را خالی می‌کند.

تحویلان در پایان گفت‌وگویش یک نکته را می‌گوید که شاید کل ماجرا را خلاصه کند: «نه تلویزیون و نه پلتفرم‌ها نباید یکدیگر را حذف کنند اما واقعیت این است که امروز شبکه‌های نمایش خانگی، بهتر از تلویزیون نیازهای سرگرمی مخاطب را پاسخ می‌دهند». این «بهر پاسخ دادن»، به بهای کپی‌برداری تمام شده است. تا زمانی که تولیدکننده ایرانی‌بین «ساختن چیزی که ممکن است شکست بخورد» و «کپی کردن چیزی که قبلا جواب داده» دومی را انتخاب می‌کند، آنتن تلویزیون و پلتفرم‌ها همچنان پر خواهد بود از قصه‌هایی که جای دیگری تعریف شده‌اند.

دیر سی و چهارمین دوره هفته کتاب گفت؛ با تصویب شورای سیاست گذاری سی و چهارمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، «با کتاب گفت‌وگو کنیم» به عنوان شعار این دوره انتخاب شده است.

به گزارش «آگاه» ایراهیم حیدری، دبیر سی و چهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران درباره شعار این دوره از هفته کتاب جمهوری اسلامی گفت؛ با تصویب شورای سیاست‌گذاری، «با کتاب گفت‌وگو کنیم» به عنوان شعار این دوره انتخاب شده است. بنابراین سی و چهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با شعار «با کتاب گفت‌وگو کنیم» از بیست و سوم تا سی ام آبان (۱۴۰۵) در سراسر کشور برگزار می‌شود.

دیر سی و چهارمین دوره هفته کتاب ادامه داد؛ «با کتاب گفت‌وگو کنیم» در سه

شعاری و چهارمین هفته کتاب جمهوری اسلامی اعلام شد

«با کتاب گفت‌وگو کنیم»

سطح مفهومی قابلیت بحث دارد؛ نخست گفت‌وگوی هر شخص با کتاب است، دوم گفت‌وگوی افراد با یکدیگر درباره کتاب است و سوم گفت‌وگوی جامعه با مسائل خود از طریق کتاب است. سطح سوم به ویژه در زمینه سیاست گذاری فرهنگی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا کتاب را به بخشی از فرآیند فهم مسائل جامعه تبدیل می‌کند. مدیر عامل خانه کتاب و ادبیات ایران همچنین با اشاره به این نکته که باید این دوره از هفته کتاب را با شکوهی بیش از گذشته برگزار کرد، گفت، از همه مردم عزیز ایران دعوت می‌کنم تا در برنامه‌های این دوره که در سراسر کشور برگزار می‌شود، مشارکتی جدی داشته باشند. باید همه مردم دنیا بدانند که ایرانیان ملتی فرهنگ‌دوست و اهل گفت‌وگو هستند و حتی زیر سایه تهدیدهای بدخواهان نشان نردست از فرهنگ بر نمی‌دارند.



به نویسندگی و کارگردانی بهروز غریب‌پور

«اپرای عشق» در آبان تمدید شد

فرزانه ناظمی، شیدا لسان صدق، غنچه نادگران، نیلوفر ساسانی، زهرا نصرالله، سارا رحیمی، نازنین یزدانی، بهار اسماعیلی، زهرا گیوانی، هلیا عباسی، محمد جواد امیری، ملیکا مهدوی زاده، بهروز بخت‌آور، رضوان سنجایی، بهار هاشمی و نرگس خنجری نیز به عنوان بازی‌دهندگان در این اثر حضور دارند.

دیگر عوامل این اثر عبارتند از؛ امیرحسین میرشادی (طراح پوستر، بروشور و موارد تبلیغاتی)، قاسم رحمتی (تایپوگرافی و خوشنویسی اثر)، حسین ادریس (نویزپرداز و مسئول اتاق فرمان)، احمد محمدی (پشتیبانی فنی و سرپرستی کارگاه تجاری و تاسیسات صحنه)، مینا حسینی، رها احمدی و صادق زرجویان (عکاس)، سولماز فاتحی‌خامنه (مسئول امور بین الملل و مالی) و غنچه نادگران (مسئول روابط عمومی و رسانه‌ای).

«اپرای عشق» با ۱۵ آبان ۱۴۰۵، ساعت ۱۹:۳۰ در تالار فردوسی اجرا می‌شود.



مطهره عدالتخواه، نویسنده و کارگردان مستند «انتظار بیست و پنج‌ساله» که در جشنواره فیلم کوتاه موفق به دریافت دیپلم افتخار بهترین مستند شد، جایزه خود را به رهبر شهید تقدیم کرد.

به گزارش «ایسنا» مطهره عدالتخواه با انتشار یادداشتی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی، ضمن قدردانی از عوامل تولید این مستند و خانواده شهید محمد مهدی جنگچی، جایزه خود را به رهبر شهید تقدیم کرد و درباره دشواری‌های ساخت این اثر در روزهای جنگ نوشت؛ «الهی تو هیچ کشوری جنگی نباشه که مستند سازارش برن مستندش و بسازن، اما چه میشه کرد تا زمانی که استکبار و استثمار و استبداد هست، باید ایستاد و دفاع کرد و جنگید». وی با اشاره به تلاش جمعی عوامل فیلم و همراهی مردم میناب افزود که تولید این مستند در شرایط جنگی، با دشواری‌های بسیاری همراه بوده است؛ از جمله خطر حملات موشکی، سختی سفر به جنوب و مخالفت‌هایی که برای انجام این سفر وجود داشت. با این حال، به گفته او، گروه سازنده تشجیه داشت سرآغ کارهایی برود که در نگاه نخست، انجام‌نشدنی به نظر می‌رسیدند.

عدالتخواه در ادامه، با تأکید بر نقش همراهی صمیمانه پدر و مادر شهید محمد مهدی جنگچی در شکل‌گیری این مستند، جایزه خود را به تمرینی برای شجاعت در مسیر تر تشجیه کرد و آن را با احترام و افتخار به رهبر شهید تقدیم کرد. وی همچنین در یادداشت خود، با اشاره به نگاه رهبر شهید به ایرانیان با دیدگاه‌ها، اعتقادات و پوشش‌های متفاوت، بر اهمیت هویت مشترک ایرانی تأکید کرد و نوشت؛ «به امید روزی که هریرانی، در هر کجا که هست، با افتخار و سرپلندی از ایران و ایرانی بکه.»

مستند کوتاه «انتظار بیست و پنج‌ساله» روایت زندگی پدر و مادری است که پس از ۲۵ سال صاحب فرزند شدند، اما محمد مهدی جنگچی، تنها فرزند این خانواده، در حمله به مدرسه شجره طیبه به شهادت رسید. این مستند محصول مرکز هنری رسانه‌ای نهضت است.

نیازی به تغییر در میادین تهران نیست



مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران درباره صورت تغییر مدیران پایتخت برادر دخت اتوبوس‌های ۶۶ متری گفت: هیچ تغییری در مبادین تهران ایجاد نخواهد شد و اساساً نیازی به چنین کاری نیست.

به گزارش «آگاه» مهدی علیزاده با اشاره به نزدیک شدن محموله متروهای اسان برقی ۶۶ متری به کشور، اظهار کرد: این اتوبوس‌ها با هدف افزایش ظرفیت جابجایی مسافران و ارتقای کیفیت حمل و نقل عمومی تأمین شده‌اند و قرار است در مسیرهای تردد پایتخت به کار گرفته شوند. این افزود: متروهای ۶۶ متری با طراحی کم‌کابین، ظرفیت جابجایی حدود ۳۰۰ مسافر در هر سفر دارند و این توانمند تعداد بیشتری از شهروندان را با یک وسیله نقلیه جابجایی می‌کند. این طرفدار، بالا، امکان پاسخگویی بهتر به تقاضای سفر در خطوط پرتردد، کاهش ترافیک مسافران و افزایش بهره‌وری ناوگان را فراهم می‌کند. علیزاده با اشاره به مزایای برقی بودن این اتوبوس‌ها تصریح کرد: استفاده از انرژی پاک در مترو، به کاهش آلایندگی هوا و آلودگی صوتی کمک می‌کند و در کنار توسعه حمل و نقل عمومی، می‌تواند زمینه‌شایر و ایستگاهی شهروندان به خودروهایی شخصی و بهبود شرایط ترافیکی را فراهم سازد.

مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران پیشتر نیز از ورود نخستین محموله متروهای اسان ۶۶ متری به کشور و انتقال محموله‌های بعدی خبر داده بود. این اتوبوس‌ها در کنار اتوبوس‌ها دوگایی ۱۸ متری، بخشی از برنامه توسعه و نوسازی ناوگان اتوبوسرانی تهران هستند؛ برنامه‌ای که افزایش ظرفیت جابجایی مسافران ارائه شده است. به شهروندان در دنیال می‌کند: ورود این اتوبوس‌ها جدید با هدف تقویت حمل و نقل عمومی انجام می‌شود و برخلاف ادعاهای مطرح شده، برای بهره‌گیری از متروهای اسان ۶۶ متری، هیچ تغییری در مبادین تهران لازم نیست.

علیزاده در ادامه از طرح ادغام مدارس و فضاهای بازی کودکان گرفته درباره این موضوع گفت: متأسفانه این ادعاهای کذب از سوی افرادی مطرح می‌شود که به جای ارائه عملکرد و اقدامات موثر، در دسترس سیاسی‌کرن به دنبال کارشکنی و بهانه‌گردن آنچه انجام نداده‌اند، هستند.

مدیرعامل مترو و نااهای اسان، چیزی جز تخریب دیدگاه مردم و ایجاد نگرانی بی‌اساس نیست. در شرایطی که دشمن خبیث با ایجاد فضای التهاب و ناامیدی، به دنبال تضعیف روحیه جامعه است. انتظار می‌رود همه در مسیر ادغامی، اطلاع‌رسانی صحیح و تقویت اعتماد عمومی حرکت کنند. به اینکه با انتشار ادعاهای اسان و فضاهای اسان مغرضانه، ناامیدی را در جامعه گسترش دهند.

**نصب دوربین در کلاس با تایید
شورای مدرسه بلامانع است**



معاون دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش، از نصب دوربین در محیط‌های عمومی مدارس با حفظ کارکنان مدرسه و دانش‌آموزان، می‌بخشد. این اقدامات در راستای ارتقای امنیت آنان در مدارس، خیر دارد.

به گزارش «آگاه» موسی الرضا کاشانی، معاون دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش، با اشاره به تأکید شورای عالی آموزش و پرورش بر نقش محوری مدارس در ارتقای برنامه درسی و فرایند آموزشی و تربیتی اظهار کرد: مدرسه باید نقش پررنگی را در ارتقای امنیت و تربیت دانش‌آموزان داشته باشد. مدارس باید محیطی امن و سالم برای دانش‌آموزان و معلمان باشد. مدارس باید با استفاده از دوربین‌ها و سایر وسایل و تجهیزات الکترونیکی در کلاس درس، برای تکمیل و تقویت فرایند آموزش و یادگیری با تأکید شورای مدرسه، با منابع امنی، وی‌اف‌دی، تصدیق‌گر و موارد دیگر با نصب دوربین‌ها و همراه با همراه داشتن در محیط مدرسه یا قرار دادن در محل نگهداری، زمان و محوطه‌ها، استفاده از آن و تعیین تنبیهات، تخلفی از مقررات بر عهده شورای مدرسه است.

کاشانی با اشاره به اصلاح آیین‌نامه اجرایی اظهار کرد: استفاده از رسانه‌های اجتماعی، عکسبرداری، فیلم‌برداری و ضبط صدا در محیط مدرسه جز با استمنا اجازه از مدیر مدرسه ممنوع است. معاون دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش تأکید کرد: استفاده از تلفن همراه در کلاس درس برای فعالیت‌های آموزشی خاص و همسو با برنامه درسی با نظر معلم مربوط، جایز است.

در زمان مشخص و محدود مجاز است که، با توجه به روش، الگویی معلمان در فرهنگ سازی و ترویج رفتارهای سالم، آموزش و تکرار در تلفن همراه در کلاس درس مورد تأکید بوده و لازم است معلمان تلفن همراه خود را خاموش کرده یا در حالت سکوت قرار دهند. کاشانی تصریح کرد: به منظور جلوگیری از آسیب‌های تلفن همراه و وسایل اطلاعاتی و ارتباطی و رفع خطرات، مدارس موظف است زمینه آموزش والدین و توانمندسازی و تقویت خود کنترلی دانش‌آموزان برای مواجهه و حضور آگاهانه در فضای مجازی و استفاده بهینه از وسایل اطلاعاتی و ارتباطی فراهم کند.

کاشانی با اشاره به اصلاح آیین‌نامه اجرایی مدارس که مراحل بررسی و ابلاغ خود را طی می‌کند، گفت: نصب و بهره‌برداری از دوربین در محیط‌های عمومی مثل حیاط، کارگاه، آزمایشگاه، راهروها... با حفظ حریم کارکنان مدرسه و دانش‌آموزان، برای ارتقای امنیت آنان و نگهداشت بهینه فضا و تجهیزات مدرسه، با منابع امنی،

معاون دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش تأکید کرد: در مدرسه‌ای که با مشکلات انضباطی و رفتاری مواجه هستند، مدیر مدرسه می‌تواند با تأیید شورای مدرسه دوربین‌ها و نظارتی را به صورت موقت در کلاس درس نصب کرده و پس از رفع مشکل نسبت به جمع‌آوری آنها اقدام کند.

معوقات اردیبهشت بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی ششم آبان پرداخت می شود

یکشنبه / ۳ آبان ۱۴۰۵ / شماره ۶۷۲

جامعه
Society

سکولاریسم، توجیحی برای محرومیت از رعایت حجاب اسلامی نیست

آغوش باز دانشگاه‌های ایران برای دختران آذربایجانی



یا اصول مورد استاد در نظام آموزشی سکولار مغایر تشخیص داده شود. مجاز دانسته شده است. همه حجاب به صراحت از روستا مقرر نهاده، اما از ۱۳۷۱ اکثراً سرخ‌پوش‌هایی درباره جلوسگری برخی دختران در مدارس و مراکز دولتی یا شبه دولتی، شکاری از معلمان زن نیز بنا بر گزارش‌ها از حضور در جمعیت‌ها و دربار پوشش خود مواجه شدند. این اتفاق اعتراض دانش‌آموزان، خانواده‌ها و گروهی از سرشنان روستا را در پی داشت. در ۱۳۷۲، وزارت کشور جمهوری آذربایجان از رازداشت ۳۷ نفر در باکو خبر داد، در حالی که برخی فعالان از شمار بیشتری از رازداشت‌شدگان سخن گفته‌اند. همچنین گزارش‌هایی درباره برخورد با معترضان و تاپدید شدن یک فعال که برای راه‌اندازی کلاس‌های آنلاین رایگان به دختران مجبور شده، از آموزش تلاش می‌کرد، منتشر شده است. این موارد به ویژه از آن جهت مهم دانده که منقشه سرپوشش، از محیط مدرسه فراتر رفته و به موضوعی دربار حق اعتراض و آزادی‌های مدنی تبدیل شده است. البته باید میان منافع و نحوه اجرای آن تمایز گذاشت؛ مقرر رسماً حجاب که به دلیل پوشش از روستا به کلاس منع شده‌اند، نمی‌توان پیامد عملی مقررات را نادیده گرفت.

سکولاریسم، توجیهی برای محرومیت نیست

جمهوری آذربایجان کشوری با اکثریت مسلمان و ساختار رسمی سکولار است. باورهای بین المللی، مسلمانان را حدود ۹۶ درصد جمعیت این کشور می دانند. در چنین جامعه‌ای، سیاست دین‌آزانی از ابتدای بدین نوع خود به بت‌توبه باورهای مردم و جایگاه دین در زندگی اجتماعی انجام شود. ماده ۴۸ قانون اساسی جمهوری آذربایجان، آزادی وجدان و حق افراد برای انتخاب و ابراز اراده را برپایه دین به رسمیت می‌شناسد. ماده ۱۴۶ همان‌جا حقوق بشر نیز برپایه برخورداری از آموزش تأکید دارد و مواد ۲۰ و ۲۱ مطابق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، منع تبعیض و حق آموزش را مورد توجه قرار می‌دهند. این اصول، ضرورت بررسی هرگونه محدودیتی که دسترسی دانش‌آموزان به کلاس درس را مختل می‌کند، برجسته می‌سازد. همچنین به معنای بی طرفانه هر یک از ساختار حکومت در قبال ادیان است، با آن‌ها آشنا به آن، به‌توبه نمی‌تواند هر نوع محدودیتی در فعالیت‌های دینی ایجاد کند. اگرچه مقررات لباس، نظم آموزش است، باید توضیح داده شود که چرا حضور دانش‌آموز معجبه این هدف سازگار ظاهر است و چرا نمی‌توان راه‌حلی متناسب‌تر در نظر گرفت. یکسان سازی ظاهری دانش‌آموزان، تنگ‌بندی که به محرومیت برخی از دانش‌آموز منجر شود، خود به به مسئله‌ای جدی تبدیل می‌شود.

مینا یاری، خبرنگار گروه جامعه: وقتی دختران برای ورود به کلاس درس ناچار به انتخاب میان باور دینی و حق تحصیل می‌شوند، سکولاریسم از یک اصل حکمرانی به مسئله‌ای برای آزادی‌های فردی تبدیل می‌شود؛ در چنین شرایطی، اعلام آمادگی وزیر علوم ایران برای مینایی از دختران محجبه اداریاتی، فرصتی برای دفاع از حق آموزش و نقد سیاست‌های محدودکننده دولت باکوست.

حق تحصیل، امتیازی حکومتی نیست که بتوان آن را به پندرش یک الگوی خاص از پوشش مشروط کرد. با این حال، به نظر هفته‌ای اخیر در مجله‌ی «دردخوار» از دریاپاجان نشان می‌دهد که اختلاف بر سر حجاب، بارها برای آن درختان مسلمان این کشور به مانعی در مسیر آموزش تبدیل شده است. درواگشت این وضعیت، حسین سبهای‌صافی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، اعلام کرده است که درهای امتیازی ایران به روی دختران دریاپاجان بازاست؛ پیشنهادهای که می‌توانند در کنار پیام سیاسی خود، زمینه‌ای برای فراهم کردن امکان ادامه تحصیل این دانشجویان باشد. وزیر علوم در پیام خود تأکید کرده است که ایران می‌تواند امتیاز خانم‌ها را به دلیل پایبندی به اجابت شرعی، برای برخورداری از حق تحصیل با محدودیت مواجه شده‌اند. همین این موضع‌گیری در آن است که به جای قرار دادن ایمان و دانش در برابر یکدیگر، امکان همراهی این دو را به رسمیت می‌شناسد. مسئله اصلی نیز همین است، چرا که دخترانی از امتحان، از پوششی دست بکشند که آن را بخشی از باور دینی خود می‌دانند؟

مقررات تازه و دخترانی پشت در مدرسه

مناقشه اخیر بر سر حجاب در مدارس جمهوری آذربایجان سابقاً طواری تاز

از رویدادهای هفته‌های گذشته دارد. در سال ۲۰۱۰ نیز اختلاف بر سر لباس

انجامید. در دسامبر آن سال، پس از تأکید وزیر آموزش وقت بر الزام رعایت لباس

مدرسه‌ای شکل، صدها نفر در برابر وزارت آموزش در پاکو تجمع کردند و شعارهای

معتزمان یادداشت شد.

در تازه‌ترین تحول، هیات وزیران جمهوری آذربایجان در ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۶، با تصویب مصوبه شماره ۳۰۹، مقررات لباس دانش‌آموزان مدارس دولتی را اصلاح کرد. در این مصوبه، استفاده از پوشش‌هایی که با لباس متحدالشکل مدارس

تداخل مدیریتی؛ چالش اصلی برخورد با تخلفات در حریم

اعلام مناطق یرتخلف تهران

رفع اثر ۹۵ درصد ساخت و سازهای غیرمجاز در حریم تهران

میزبانی در ادامه درباره آخرین وضعیت پر خورشید ۲۲ گفت؛ همه رخمیزخار در حرم شهر تهران، از جمله مسواخه منطقه ۲۲، ساخت، هفت ماهه موضوعات مربوط به وضعیت ساز و کارهای موجود در این جهت پیگیری می‌کنیم و خوشبختانه از زمان جنگ تمجیل را تاکنون، ۹۵ درصد ساخت وسازهای رخمیزخار در حرم شهر تهران رفع اثر شده است و در ادامه، بر سر مواردی نیز دست پیگیری قرار دارد. وی بیان این نگرانی اصلی درباره موجودی دارایی تداخلی مدیریت و اینکه طبق لایصل شهر تهران است، افزود: میزان رفع اثر تخلفات در این محدوده‌ها کمتر از حد انتظار بوده است. به همین دلیل، با شورای حقوق بیت المال، استانداری و مقامات بیتی این اداره تا این حد استفاده از ظرفیت‌های جهاد کشاورزی و شورشاری، با موضوع تخلفات یافتی‌مانده و مدیریت جهاد رفع اثر نشده‌اند، به نتیجه پرسد و اقدامات لازم انجام شود. سرپرست اداره که بر سر شهر تهران با اشاره به همکاری دستگاه‌های مرتبط در زمینه این موضوع اظهار کرد، خوشبختانه پیگیری‌های خوبی انجام شده و همکاری مناسبی نیز برای رسیدگی به این موضوع در دست داشته است.

تداخل مدیریتی؛ چالش اصلی برخورد با تخلفات ساختمانی در حریم تهران

مربانی درباره مناطق دارای بیشترین تحولات ساختمانی در حیران، پایتخت، از جمله محدوده کن، توضیح داد، عمده مشکلات در این مناطق است که با تداخل عمل مدیریتی مواجه است، از جمله مساحت ۱۸۰ هزار و ۲۰۰ مترشهری در تهران که در محدوده‌های با لاصل شهر قرار دارند و اما همه در این مناطق، شهرداری‌ها از نظرنیروی انسانی، امکانات و تجهیزات اجرایی ظرفیت لازم را دارند، اما به دلیل برخی نواقص قانونی، ورود مستقیم و احداث عملیات اجرایی برای این مناطق فراهم نیست و در موردی از طریق همکاری با جواد کشاورزی اقدام می‌شود. مربانی با اشاره به پیامدهای این خلأ قانونی گفت: محدودیت در استفاده از ابزارها و امکانات شهرداری‌ها موجب شده است برخی افراد فرصت طلب از این شرایط سوء استفاده کنند. به همین دلیل در این محدوده‌ها آثار تحولات بیشتر و میزان رفاه آنها کمتر است.

در ارتباط با متخصصان زنان و زایمان اشاره کرد و گفت: میزان دسترسی به زایمان ایمن، یکی از شاخص‌های اصلی مهم است و توسعه جوامع استوار، اینک برای یک زن زایمان، چقدر دسترسی به شرایط و نیروی ماهر وجود دارد. این عدد در کشور ما بالای ۹۵ درصد است در حالی که آمار میانگین دنیا، زیر ۸۰ درصد را نشان می‌دهد، این موفقیت هم به خاطر دسترسی کم به متخصصین زنان و زایمان عامل آن بوده‌اند.

بیش از ۶ هزار متخصص زنان و زایمان داریم

وی اظهار کرد، ما امروز بیش از ۶ هزار متخصص متعرجو با تجربه در حوزه زنان و زایمان در کشور داریم. بر اساس آخرین آمار، تعداد متخصصان جراح زنان و زایمان در کشور ما ۶۰۱۲ نفر است که رشته های مختلف فلوشیپ را هم گذرانده اند. نزدیک به ۲۸۰ متخصص پریناوتولوژیست داریم، در حوزه ایو ای اف و ناباروری و سایر رشته های وابسته، نزدیک ۳۰۰ متخصص فلوشیپ مشغول فعالیت هستند. در سایر حوزه ها مثل حوزه انکوسرکول زنان نزدیک ۱۶۰ فلوشیپ داریم. در حالی که سال ۱۳۶۰ تعداد

پزشکی به اماری دیگر
کل زمان متخصص در همه رشته های باینی در
کشور ما نزدیک ۷۷ نفر بود. آژان است. جمعیت
شورما حدود دویستم بار بر شد کرده است. تعداد
بانوان متخصص توانمند ما طی بیش
از چهار دهه بیش از ۴۰ برابر شده است. امروز
بیش از ۳۰ هزار بانوی متخصص و فوق تخصص
و فلوشیپ در همه رشته ها مشغول فعالیت
هستند که این، توانمندی بانوان باینی ما را
نشان می دهد.

رئیس کل سازمان نظام پزشکی گفت: از بیش از ۲۰ هزار نفر ویرمادر باردار در ۱۰۰ هزار تولد زنده در چهار تا پنج دهه گذشته به حدود ۷۰۰ هزار ویرمادر باردار در ۱۰۰ هزار تولد زنده رسیدیم. حالی که میانگین دنیا، ۱۹۴ مرگ در هر ۱۰۰ هزار تولد زنده است.

به گزارش «آگاه» محمد رئیس زاده این کرد، اگر جامعه پزشکی بخواده فقط یک آماری از افتخار کردن و بالین ارائه کند، همان آمار کاهش مرگ ویرمادر باردار در چهار تا پنج دهه گذشته کافی است. سازمان جهانی بهداشت برنامه ریزی کرده که کشورهای دنیا در سال ۲۰۳۰ به ۷۰ مرگ ویرمیسند. این یعنی آمار ما همین امروز، حدود یک سوم چیزی است که دنیا از ۲۰ سال ۲۰۳۰ به آن دست یابد. وی ادامه داد: وقتی این آمار را ارقام را واکاوی کنیم، می بینیم که چند رصمت و کار تخصصی و تکنیکال پشت این پیشرفت است. رچرچ و پرستری و رصخت ران و خدمات فراهم شده است. این فقط یک عدد نیست. رنج، رجمت، تلاش، هماهنگی و برنامه ریزی بسیار زیاد است. می طلب که همه اینها در جامعه پزشکی ما و جامعه متخصصین ارشدن زنان و زایمان، محقق شده است.





روزنامه
۶۷۲

کاغذی

چند موج فروش با یک مجموعه

یکی از راه‌های جان دادن به فروش کتاب‌های قدیمی، انتشار جلد تازه از مجموعه‌های موفق است. هر جلد جدید، فرصتی برای فروش دوباره جلد‌های قبلی می‌سازد.

انتشارات انگلیسی بلومزبری روی همین حساب کرده است. این ناشر انتظار دارد با انتشار دو جلد تازه از مجموعه پرفروش «درباری از خارو رز» رکورد فروش سالانه‌اش را بشکند. جلد اول این مجموعه در سال ۲۰۱۵ و جلد پنجم در سال ۲۰۲۱ منتشر شد. با این حال، مجموعه در سال ۲۰۲۴ بیش از ۹ میلیون نسخه فقط در آمریکا فروخت. حالا پس از چند سال انتظار، دو جلد تازه در سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ به بازار می‌آیند. انتشار جلد تازه، توجه خوانندگان را دوباره به کل مجموعه جلب می‌کند. مخاطبان جدید از جلد اول شروع می‌کنند و طرفداران قدیمی برای ادامه داستان سراغ جلد‌های بعدی می‌روند.

برای ناشران ایرانی هم این یک فرصت سودآوری است؛ با انتشار جلد تازه از مجموعه‌های موفق، معرفی دوباره جلد اول و تأمین موجودی جلد‌های قبلی، می‌توان فروش چند عنوان را هم‌زمان تقویت کرد.

نوشیدن چای خطر بیماری‌های عروقی را کاهش می‌دهد

چای سرشار از ترکیباتی با خواص آنتی‌اکسیدانی و ضدالتهابی است و حتی می‌تواند برای میکروبیوم‌های روده (باکتری‌های مفید دستگاه گوارش) نیز مفید باشد.

به نقل از یاهو هلت، تیمی از پژوهشگران پزشکی، به سرپرستی متخصصانی از آکادمی علوم پزشکی چین، وضعیت سلامت نزدیک به نیم میلیون نفر (دربازه سن ۳۰ تا ۷۹ سال) را به مدت تقریباً ۹ سال زیر نظر گرفتند.

علاوه بر پایش سلامت افراد، اطلاعاتی درباره عادت‌های چای‌نوشی آنها شامل تعداد فنجان‌های مصرفی در روز، دمای ترجیحی، نوع چای و حتی غلظت آن، گردآوری شد. در طول دوره مطالعه، پژوهشگران بررسی کردند که چه تعداد از افراد تحت مطالعه به انواع بیماری‌های عروقی (مانند بیماری‌های قلبی – عروقی، بیماری‌های عروقی مغز، بیماری‌های قلبی – ریوی، بیماری‌های شریان‌های محیطی و...) مبتلا شدند.

به طور کلی، این تیم دریافت کسانی که به‌طور مرتب چای می‌نوشند، کمتر در معرض خطر ابتلا به بیماری‌های عروقی قرار دارند. اما با بررسی دقیق‌تر داده‌ها، به یافته‌های غافلگیرکننده‌ای رسیدند. نخست اینکه، نوع چای اهمیت داشت؛ در مورد بیماری‌های عروقی، چای سیاه نسبت به چای سبز، کاهش خطر بیشتری را نشان داد. پژوهشگران این تفاوت را به ترکیبات حاصل از فرآیند اسون در چای سیاه، از جمله «تئافلاوین» نسبت دادند که دارای خواص ضدالتهابی و تنظیم‌کننده چربی است.

تعداد فنجان‌های چای مصرفی در روز نیز حائز اهمیت بود. این تیم دریافت که مصرف ۶ تا هشت فنجان در روز، حد بهینه برای کاهش خطر بیماری‌های عروقی است؛ پس از این مقدار، خطر دوباره رو به افزایش می‌گذازد. نوشیدن حدود ۲۰ فنجان چای در روز، تأثیری مشابه نوشیدن چای داشت و فراتر از آن، خطر ابتلا به بیماری‌های عروقی را افزایش می‌داد. به گفته این تیم، این اثر احتمالاً ناشی از کافئین است که می‌تواند به سیستم گردش خون فشار وارد کند و تمام فواید سلامتی چای را خنثی سازد.

نکته جالب توجه دیگر، به نظر می‌رسد دمای چای نیز در این زمینه تأثیرگذار باشد. کسانی که از چای خود در دمای اتاق یا داغ لذت بردند، کاهش خطر ابتلا به بیماری عروقی را مشاهده کردند. اما کسانی که چای داغ سوزان را انتخاب کردند، افزایش خطر ابتلا به سرطان مری تا ۱۶ درصد مشاهده شد. چرا؟ محققان کاملاً مطمئن نیستند. حداقل شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد نوشیدن نوشیدنی‌های داغ خطر ابتلا به سرطان مری را افزایش می‌دهد، اما مشخص نیست که چگونه این امر می‌تواند به افزایش بیماری عروقی منجر شود. محققان بر انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه تأکید دارند.



آب و هوا



رگبار و ردوبرق در استان خلیج فارس و دریای خزر مواج می‌شوند

صادق ضیایان با اشاره به پیش‌بینی کلی بر اساس نقشه‌های همدیدی و آینده‌نگری اظهار کرد، پیش‌بینی کلی بر اساس نقشه‌های همدیدی و آینده‌نگری اظهار کرد: امروز (سوم آبان) در اردبیل، گیلان، مازندران، برخی مناطق آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، گلستان و برخی نقاط زنجان، قزوین، البرز، تهران و شمال سمنان افزایش آبرگاهی رگبار و ردوبرق و ورزش باد شدید موقت پیش‌بینی می‌شود.

وی افزود، دوشنبه (چهارم آبان) در برخی مناطق استان‌های ساحلی دریای خزر، اردبیل، شمال آذربایجان شرقی، خراسان شمالی، سمنان، ارتفاعات البرز مرکزی و سه شنبه (پنجم آبان) در برخی مناطق شمال شرق، شرق سواحل دریای خزر و چهارشنبه (۶ آبان) در برخی مناطق شمال غرب بارش رخ می‌دهد.

به گفته رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا همچنین امروز در برخی مناطق کرمان، هرمگان، شرق فارس، اردوشنبه تا چهارشنبه دامنه‌ها و ارتفاعات کرمان و هرمزگان در بعضی ساعات بعدازظهر و اوایل شب رگبار و رد برق، وزش باد شدید موقت و گرد و خاک پیش‌بینی می‌شود. ضیایان ادامه داد: در خلیج فارس و از امروز تا سه‌شنبه دریای خزر مواج است.

آگاه / روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی

سردبیر: امیر اسماعیلی

دبیر تحریریه: رضا ظریفی

مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب

دبیران گروه‌ها: هادی رضایی **سیاست** | سید مرتضی مفیدنژاد **پرونده‌های ویژه**
مجتبی مشهدی **محمد فرهنگ**



📍 خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان این سینا	
☎️ ۰۲۱ – ۹۲۰۰۴۷۱۶ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳	
🌐 www.Agaah.ir	✉️ m@agaah.ir
📺 agaah – ir	📱
🌐	



برداشت کیوی از باغات شهرستان تالش

تالش یکی از قطب‌های اصلی تولید کیوی در شمال کشور به‌شمار می‌رود و هر ساله با فرارسیدن فصل پاییز، باغداران این منطقه برداشت محصول خود را آغاز می‌کنند. بخشی از این محصول علاوه بر تأمین بازار داخلی، به کشورهای هم‌چون هند و روسیه صادر می‌شود و نقش مهمی در آراآوری و اقتصاد کشاورزی منطقه دارد.

عکس: سعید نیک‌پور / مهر

چه مواقعی نباید به کودک «تذکر» داد

■ جلوی دوستانش: تذکر در جمع دوستان می‌تواند ادامه با چهار جای منوعه برای تذکر دادن به کودک آشنا می‌شویم؛ ■ سر سفره غذا: نه توجه داشته باشیم که سفره جای ارتباط و آرامش است، نه تذکر و تربیت. ■ موقع دیدن تلویزیون: این زمان وقت استراحت کودک است و تذکر دادن فقط مقاومت او را بیشتر می‌کند.	■ «زمان و مکان تذکر» از اشتباه کودک مهم‌تر است. در تربیت درست فرزندان شان هستند. اما گاهی اوقات اصرار بر اصلاح فوری رفتار، نه‌تنها نتیجه‌دهی نمی‌دهد، بلکه اثر عکس می‌گذارد. داستان اینکه در چه مکان‌هایی نباید به کودک تذکر داد، به ما کمک می‌کند تا رابطه‌ای آرام‌تر و صمیمی‌تر با او بسازیم. تربیت فرزند فوت و فن‌های خاص خودش را دارد و گاهی اوقات، خود
--	---

■ جلوی دوستانش: تذکر در جمع دوستان می‌تواند ادامه با چهار جای منوعه برای تذکر دادن به کودک آشنا می‌شویم؛ ■ سر سفره غذا: نه توجه داشته باشیم که سفره جای ارتباط و آرامش است، نه تذکر و تربیت. ■ موقع دیدن تلویزیون: این زمان وقت استراحت کودک است و تذکر دادن فقط مقاومت او را بیشتر می‌کند.	■ «زمان و مکان تذکر» از اشتباه کودک مهم‌تر است. در تربیت درست فرزندان شان هستند. اما گاهی اوقات اصرار بر اصلاح فوری رفتار، نه‌تنها نتیجه‌دهی نمی‌دهد، بلکه اثر عکس می‌گذارد. داستان اینکه در چه مکان‌هایی نباید به کودک تذکر داد، به ما کمک می‌کند تا رابطه‌ای آرام‌تر و صمیمی‌تر با او بسازیم. تربیت فرزند فوت و فن‌های خاص خودش را دارد و گاهی اوقات، خود
--	---

چگونه بر کم‌رویی غلبه کنیم؟

یک روانشناس با بیان اینکه کم‌رویی می‌تواند مانع پیشرفت شغلی و اجتماعی افراد شود، گفت: ترس از قضاوت دیگران و کمال‌گرایی از عوامل تشدیدکننده این مشکل است اما با تمرین مهارت‌های ارتباطی و مواجهه تدریجی با موقعیت‌های اجتماعی می‌توان آن را مدیریت کرد.

زینبا شرافتی درباره تأثیر کم‌رویی در محیط کار که می‌تواند مانع پیشرفت شغلی کند که «من می‌توانم اضطرابم را در محیط کار این است که گاهی توانایی واقعی فرد دیده نمی‌شود. ممکن است فرد بسیار توانمند، ایده خوب و دانش تخصصی بالایی داشته باشد، اما در جلسه حرف نزنند، درباره ایده‌اش صحبت نکنند یا حتی برای گرفتن یک فرصت شغلی مناسب درخواست ندهند. در چنین شرایطی ممکن است دیگران تصور کنند این فرد انگیزه یا توانایی کافی ندارد، در حالی‌که واقعیت کاملاً متفاوت است.

این روانشناس با بیان اینکه کم‌رویی می‌تواند با کمال‌گرایی ارتباط داشته باشد، اظهار کرد: در بعضی افراد این ارتباط کاملاً قابل‌مشاهده است. فرد کمال‌گرا ممکن است احساس کند برای صحبت کردن باید حتماً حرف بسیار هوشمندانه‌ای داشته باشد، نباید اشتباه کند و نباید کسی متوجه ضعف او شود. در نتیجه به جای اینکه بگوید «من می‌توانم صحبت کنم و اگر اشتباه کردم اشکالی ندارد»، با خودش می‌گوید «اگر قرار است کامل نباشم، بهتر است اصلاً صحبت نکنم». اینجاست که کمال‌گرایی می‌تواند به اجتناب اجتماعی منجر شود. شرافتی اضافه کرد، یکی از نکات مهم در درمان این است که فرد به تدریج بپذیرد ارتباط موثر با ارتباط بی‌نقص تفاوت دارد. ما برای انسان بودن لازم نیست همیشه بهترین جمله را بگوییم یا

هی و با اشاره به مواجهه تدریجی با کاهش کم‌رویی اظهار کرد: مواجهه تدریجی یکی از تکنیک‌های مهم در درمان شناختی- رفتاری است، اما یک سوء تفاهم درباره آن وجود دارد. مواجهه یعنی فرد را به زور در سخت‌ترین موقعیت قرار ندهیم؟

این روانشناس با بیان اینکه کم‌رویی می‌تواند با کمال‌گرایی ارتباط داشته باشد، اظهار کرد: در بعضی افراد این ارتباط کاملاً قابل‌مشاهده است. فرد کمال‌گرا ممکن است احساس کند برای صحبت کردن باید حتماً حرف بسیار هوشمندانه‌ای داشته باشد، نباید اشتباه کند و نباید کسی متوجه ضعف او شود. در نتیجه به جای اینکه بگوید «من می‌توانم صحبت کنم و اگر اشتباه کردم اشکالی ندارد»، با خودش می‌گوید «اگر قرار است کامل نباشم، بهتر است اصلاً صحبت نکنم». اینجاست که کمال‌گرایی می‌تواند به اجتناب اجتماعی منجر شود. شرافتی اضافه کرد، یکی از نکات مهم در درمان این است که فرد به تدریج بپذیرد ارتباط موثر با ارتباط بی‌نقص تفاوت دارد. ما برای انسان بودن لازم نیست همیشه بهترین جمله را بگوییم یا

هی و با اشاره به مواجهه تدریجی با کاهش کم‌رویی اظهار کرد: مواجهه تدریجی یکی از تکنیک‌های مهم در درمان شناختی- رفتاری است، اما یک سوء تفاهم درباره آن وجود دارد. مواجهه یعنی فرد را به زور در سخت‌ترین موقعیت قرار ندهیم؟



یکشنبه

۳ آبان ماه ۱۴۰۵
۱۴ جمادی الاول ۱۴۴۸

اذان صبح	۰۴:۵۴
اذان ظهر	۱۱:۴۹
اذان مغرب	۱۷:۳۸
نیمه‌شب شرعی	۲۳:۰۶



##تجربه_کردم

خدا همیشه تعداد محدودی پیشامد «آس»... و «آدم خاص» دارد... که - ته - توش - فقط نصیب «خواص» می‌شن... نصیب کسانی که همه امورشون رو، به صدق و پایمردی می‌سپرن به خدا... و اعتماد می‌کنن. نشونه پیشامدهای خاص، «ناگهانی شدن» و «برکت سرشا»شونه. اما آدم‌های خاص، زبان... و اجازه معرفی خودشون رو ندارند... خاص بودن‌شون هم به زیبایی، ثروت، شهرت و ظاهرشون نیست... برای همین هم اغلب وقتی نصیب «عام» می‌شن، طرد و ناسپاسی می‌شن... به همین دلیل، سهم آدم‌های خاص می‌شن.

دعاکن «خاص شناس» بشیم رفیق جان!

سیدمحمد سادات اخوی / نشرپرنده

ورزش فقط عضلات قلب را تقویت نمی‌کند کشف تازه دانشمندان درباره مغز و قلب

سال‌هاست که پزشکان بر نقش ورزش در حفظ سلامت قلب تأکید می‌کنند، اما پژوهش جدیدی نشان می‌دهد فواید فعالیت بدنی فراتر از تقویت عضله قلب و بهبود گردش خون است.

دانشمندان دانشگاه بریستول دریافت‌اند ورزش‌های هوازی منظم می‌توانند شبکه عصبی کنترل‌کننده قلب را نیز بازسازی کنند. در این مطالعه که روی موش‌های آزمایشگاهی انجام شد، محققان به بررسی اعصابی پرداختند که ضربان و عملکرد قلب را تنظیم می‌کنند. نتایج نشان داد تمرین‌های هوازی باعث ایجاد تغییرات قابل‌توجهی در این شبکه عصبی می‌شود و حتی اعصاب سمت چپ و راست بدن به شکل متفاوتی به ورزش واکنش نشان می‌دهند.

به گفته پژوهشگران، این یافته‌ها نشان می‌دهد قلب تنها یک اندام عضلانی نیست و ارتباط پیچیده‌ای با سیستم عصبی دارد. ورزش می‌تواند این ارتباط را تحت تأثیر قرار دهد و نحوه ارسال پیام‌های عصبی به قلب را تغییر دهد، موضوعی که شاید بخشی از تأثیرات شناخته‌شده ورزش بر کاهش خطر بیماری‌های قلبی را توضیح دهد.

محققان امیدوارند این نتایج در آینده به توسعه روش‌های درمانی جدید برای مشکلاتی مانند آریتمی‌های قلبی، برخی دردهای قفسه‌سینه و اختلالات مرتبط با استرس کمک کند. در حال حاضر بسیاری از درمان‌های قلبی بر خود عضله قلب یا رگ‌ها متمرکز هستند، اما شناخت بهتر نقش سیستم عصبی می‌تواند مسیرهای درمانی تازه‌ای را پیش روی پزشکان قرار دهد.

البته پژوهشگران تأکید می‌کنند که این مطالعه روی حیوانات انجام شده و برای مشخص شدن اینکه همین تغییرات در انسان نیز رخ می‌دهد یا نه، تحقیقات بیشتری لازم است. با این وجود، یافته‌های جدید یادگیر بر اهمیت ورزش منظم برای حفظ سلامت قلب تأکید می‌کند.

منبع: sciencedaily

با این پنج خوراکی فشار خون را ضربه فنی کن



انتخاب مواد غذایی مناسب برای صبحانه می‌تواند راهی ساده برای حمایت از سلامت قلب و عروق باشد. متخصصان تغذیه توصیه می‌کنند برای افزایش دریافت پتاسیم، خوراکی‌هایی مانند حبوبات، آووکادو، سیب‌زمینی، موزو کیوی را در برنامه غذایی خود بگنجانید.

سلامت نیز به نقل از verywellhealth نوشت: افزودن مواد غذایی سرشار از پتاسیم به وعده صبحانه، راهی ساده برای کمک به حفظ فشار خون سالم است، بدون اینکه نیازی به تغییر اساسی عادات غذایی روزانه داشته باشید.

۱- **حبوبات:** بر اساس تایید یک تحلیل گسترده، افزایش مصرف روزانه حبوبات باعث کاهش خطر ابتلا به فشارخون بالا ارتباط دارد؛ به‌طوری‌که به ازای هر افزایش یک‌واحدی در مقدار مصرف گزارش شده، خطر ابتلا به این عارضه ۱۲ درصد کمتر بود. (حبوبات شامل انواع لوبیا، عدس و نخودفرنگی هستند، مواد غذایی معذای که بسیاری از افراد به اندازه کافی مصرف نمی‌کنند). ۲- **آووکادو:** نتایج یک مطالعه نشان داده است که مصرف منظم آووکادو می‌تواند به کاهش فشار خون سیستولیک، یعنی عدد بالایی فشار خون، کمک‌کند. این اثر به‌ویژه در افرادی مشاهده شده است که فشارخون بالاتری داشته‌اند و بیش از شش هفته به‌طور منظم آووکادو مصرف کرده‌اند.

۳- **سیب‌زمینی:** سیب‌زمینی منبع خوبی از پتاسیم است، اما روش آماده‌سازی آن اهمیت دارد. یک سیب‌زمینی متوسط با وزن حدود ۱۷۳ گرم، تقریباً ۹۵۰ میلی‌گرم پتاسیم دارد. (پخت سیب‌زمینی در فر و استفاده از ادویه‌ها به جای نمک فراوان، انتخاب مناسب‌تری برای حفظ سلامت قلب و عروق است).

۴- **موز:** موز یکی از شناخته‌شده‌ترین منابع غذایی پتاسیم است. رژیم غذایی دش، با رویکردهای تغذیه‌ای برای توقف پرفشاری خون، یکی از الگوهای غذایی مورد استفاده برای کمک به کنترل فشارخون است. این رژیم بر مصرف غلات کامل، میوه‌ها، سبزیجات، مرغ، ماهی، مغزها و محصولات لبنی تأکید دارد. ۵- **کاهو:** به‌روش‌های اولیه شاید کمی برات سخت باشد، اما سیب‌زمینی ممکن است به کاهش فشارخون، به‌ویژه در افرادی که فشارخون آنها اندکی بالاتر از حد مطلوب است، کمک‌کند. برخی یافته‌ها حاکی از آن هستند که مصرف روزانه سه عدد کیوی ممکن است اثر بیشتری بر کاهش فشارخون داشته باشد؛ با این حال، برای تأیید این اثر به شواهد بیشتری نیاز است.

موبایل تاشو دو هزار دلاری اپل نیامده، کمیاب شد

اپل موبایل تاشو «آیفون دوئو» را عرضه کرد اما حتی با قیمت دو هزار دلاری هم نمی‌تواند تعداد کافی از آن برای مشتریان بسازد. به نقل از ایندپندنت، موبایل تاشوی مذکور در اما تک‌ترین باطر اچی آیفون تا به حال به حساب می‌آید. موبایل مذکور ماه قبل معرفی و از جمعه فروش آن آغاز شد اما ذخایر دستگاه به سرعت تمام شد و به مشتریان گفته شد برای تحویل دستگاه‌های‌شان تا سال جدید میلادی منتظر بمانند. افرادی که توانسته‌اند دوئو را با تحویل یک‌روزه بخرند، باید چند دقیقه پس از باز شدن پیش سفارش، محصول خود را ثبت سفارش و موبایل‌های خود را همان روز دریافت کنند. برخی افرادی که نتوانستند به این فرآیند برسند، مجبور شدند شبانه به فروشگاه‌های فیزیکی اپل مراجعه کنند و آن را بخرند. تقاضا برای آیفون دوئو از سناگاپور و شانگهای تا لندن و برلین قدرتمند بود و فروش روان تر انجام شد به‌طوری‌که صف‌های خرید و کمب‌های یک شبه برای دسترسی به این موبایل بیرون فروشگاه‌های اپل کمتر دیده شد. رقبایی مانند سامسونگ و هواوی سال‌هاست موبایل‌های تاشو پر میوم را می‌فروشند و دوئو، تستی برای آن است که نشان دهد آیا اپل می‌تواند بازار این دستگاه را به شیوه‌ای که آیفون بازار موبایل را متحول کرد، باز خلق کند یا خیر.